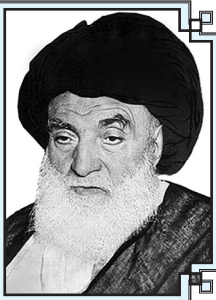


«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



نقش آیت الله العظمی بروجردی در مبارزه با فرقه بهائیت



سال سی و هشتم ♦ شماره ۷ ♦ شماره مسلسل ۱۵۴۹ ♦ نیمه اول تیرماه ۱۳۹۶ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

آیت الله زین العابدین قربانی:

اعتدال را سرمشق زندگی قرار دهیم



نماینده ولی فقیه در گیلان: برخی از رسانه‌ها علیه دولت به گونه‌ای عمل می‌کنند که گویا به دولت آمریکا حمله می‌کنند.

رئیس مجلس و نماینده ولی فقیه در گیلان، بر کاهش اختلافات و اتخاذ مشی اعتدالی تأکید کردند. علی لاریجانی در سفری یک روزه به استان گیلان رفت و علاوه بر سخنرانی در مراسم بزرگداشت یکی از شهدای هفتم تیر، با امام جمعه رشت هم دیدار کرد. در همین دیدار بود که آیت الله قربانی با اشاره به توصیه‌ای از مرحوم آیت الله بهجت تأکید کرد: «اعتدال را سرمشق زندگی قرار دهیم. برخی از رسانه‌ها علیه دولت به گونه‌ای عمل می‌کنند که گویا به دولت آمریکا حمله می‌کنند.»

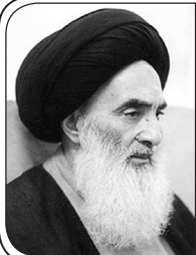
رئیس مجلس هم همین‌ها با همین خط مشی تأکید کرد که باید اختلافات را کم کنیم و بنزین ریختن روی اختلافات هنر نیست. به گزارش خانه ملت، رئیس مجلس در مراسم بزرگداشت شهید محمدحسین افتخاری از شهدای حادثه هفتم تیر ۱۳۶۰ که در استان گیلان برگزار شده بود، تأکید کرد: «هنر این نیست که روی اختلافات بنزین بریزیم.» لاریجانی با بیان اینکه رمز پایداری انقلاب اسلامی همبستگی داخلی است، گفت: قطعاً باید اختلاف‌ها را کم کنیم زیرا همواره زمینه بروز اختلاف وجود دارد و اینکه ما روی مسائل بنزین ریخته و آن را شعله‌ور کنیم این اقدام هنر نیست. از طرف دیگر سربلندی ایران به پیروی از ولایت فقیه وابسته است و شاهد بوده‌ایم که ولایت فقیه همواره بحران‌ها را در کشور خنثی کرده است. وی تأکید کرد که آمریکا به دنبال ایجاد سلسله اقدامات بین‌المللی علیه ایران است که قطعاً باید در این رابطه هشیار بود و برای پایداری انقلاب زحمت کشید.

به گفته وی، دولت آینده باید در چارچوب قانون برنامه ششم توسعه کار و تلاش کرده و خالی از حواشی به متن مسأله مردم که همان موضوع اقتصادی و معیشتی است، بپردازد. لاریجانی با اعلام اینکه مجلس فقط از کابینه‌ای که به فکر خدمت به مردم باشد حمایت می‌کند، تصریح کرد: دولت آینده باید در جهت رفع دغدغه‌های مردم و حل مشکلات اقتصادی تلاش کند نه اینکه حواس پرتی در مسائل دیگر داشته و ذهن‌شان متفرق باشد.

نماینده ولی فقیه در استان گیلان در دیدار با علی لاریجانی با بیان خاطره‌ای از سفر به استان قم گفت: حدود دو سال پیش از رحلت آیت الله العظمی بهجت به خدمت ایشان شرفیاب شدم و به آیت الله بهجت گفتم که توصیه‌ای را به من بکنند که ایشان ۳ مرتبه فرمودند اعتدال، اعتدال، اعتدال که این مسأله نشان دهنده آن است که باید میانه‌روی و اعتدال را سرمشق زندگی قرار دهیم.

آیت الله قربانی ادامه داد: در شرایط کنونی متأسفانه در کشور ما دو گروه به یکدیگر حمله می‌کنند و در این میان برخی از رسانه‌ها علیه دولت به گونه‌ای عمل کرده که گویا به دولت آمریکا حمله می‌کنند و در این میان طرف مقابل نیز بیکار نمی‌ماند و نسبت به این مسائل پاسخ می‌دهد و در این مسیر تنها مردم میان این کشمکش‌ها گرفتار شده‌اند. وی با بیان اینکه دکتر لاریجانی عامل اعتدال در جمهوری اسلامی است، گفت: مردم به دکتر لاریجانی امید بسیاری بسته‌اند تا اختلافات را در کشور کاهش دهد.

آیت الله سیستانی
پایگاه مرجعیت را در
بین مردم حفاظت و
صیانت می‌کنند



آیت الله اراکی:
متأسفانه امکانات
جهان اسلام علیه
جهان اسلام به کار
گرفته می‌شود



به خاطر تو... ای قدس!



اشاره: اصل شعر زیر به زبان عربی و با عنوان «زهرة المدائن» توسط برادران رحبانی سروده و آهنگ سازی شده و سپس خانم فیروز (اسم هنری نهاد ودیع حداد)، خواننده معروف لبنانی، آن را پس جنگ اعراب در سال ۱۹۶۷ با آوازی حزین و اثرگذار که اشک به دیدگان مخاطب می‌آورد، خوانده است که این گونه شروع می‌شود:

ادامه در صفحه ۸

گفت‌وگو برای امام صدر «فرهنگ» است نه روش

جملات مهمی را به این شرح بیان کرده‌اند: «گفت‌وگو به منظور رسیدن به راه حلی برای برطرف کردن مشکلات است و بر این اساس گفت‌وگو در اسلام برای رسیدن به صلح است.» امام صدر در اینجا هدف گفت‌وگو و ضرورت آن را بیان می‌کند. بر این اساس است که شاهد هستیم در سیر و سلوک عملی امام نیز گفت‌وگو در مقام عمل تحقق پیدا می‌کند.

اگر منطق گفت‌وگو به صورت فرهنگ درآید، زیرساخت‌های خاص خود را پیدا می‌کند. امام صدر مبنای گفت‌وگو را همین آیاتی از قرآن می‌داند که پیشتر مطرح شد. براساس همین آیات شیوه گفت‌وگو نیز مشخص می‌شود که «حکمت» و «موعظه حسنه» است. بنابراین ریشه این منطق گفت‌وگویی در اندیشه امام موسی صدر، تفکر دینی و خوانش خاص خودشان از آیات کلام الله مجید است.

مرحوم دکتر صادق طباطبایی پیش از سفر خود به اروپا برای ادامه تحصیل در سال ۱۹۶۲ نامه‌ای از امام صدر دریافت می‌کند که محتوای آن بسیار قابل تامل است. امام در جایی از این نامه می‌گوید: «در هفته متجاوز از هفت ساعت در مدارس اینجا و بیروت با جوانان سرو کله می‌زنم. من به آن‌ها گفته‌ام که در سالن را می‌بینید و در دهان‌ها را می‌کشاییم. آنچه می‌توانید سؤال کنید. و من آماده پاسخ دادن به آن‌ها هستم.» این نکته بسیار مهمی است. امروزه در بسیاری از کشورها، از جمله کشور خودمان، بسیاری این شعار را می‌دهند، اما در مقام عمل آزادی بیان را سلب می‌کنند.

گفت‌وگو همواره با دیگری است. در دوره جدید یکی از مسائل مهمی که برای اندیشمندان و مصلحان به ویژه در جهان اسلام مطرح می‌شود این است که نگاه ما به فرهنگ‌های بیگانه چگونه باید باشد؟ امام صدر بر این عقیده است که مواجهه با فرهنگ‌های بیگانه جای نگرانی ندارد. امام این عدم نگرانی را با توجه به سیره ائمه مطرح می‌کند.

بسیاری از هم‌عصران امام صدر در مقابل فرهنگ‌های بیگانه موضع داشتند. در مواجهه با این جریان امام صدر ریشه مخالفت و تقابل با فرهنگ‌های بیگانه توسط این افراد را به این شرح بررسی می‌کند: (۱) افراد شاید متوجه ضعف برخی نسبت به نکات منفی فرهنگ‌های بیگانه باشند. (۲) تعارض فرهنگ‌های غربی با فرهنگ اسلامی باعث نگرانی شده است. (۳) احتمال دارد که شخصیت اسلامی افراد در فرهنگ بیگانه هضم شود.

امام صدر نکات اول و دوم را محکوم در محکمه حق و علم می‌داند. وی در تفکرات غرب‌شناسانه خود، غرب را یک «کل» می‌داند که می‌توان از دل آن دست به انتخاب زد. درباره نکته سوم نیز امام اعتقاد داشت ترس از حذف شخصیت اسلامی افراد، مسئله‌ای مقطعی است.

ادامه در صفحه ۵

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، چهل و دومین جلسه از سلسله درس گفتارهای اندیشه و عمل با عنوان «منطق گفت‌وگو در اندیشه امام موسی صدر» و سخنرانی عبدالله نصری، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی تیرماه ۱۳۹۶ در محل موسسه برگزار شد. مشروح سخنان دکتر نصری را در ادامه می‌خوانید.

در حوزه گفت‌وگو چند پرسش بنیادین حائز اهمیت است: «چرا گفت‌وگو می‌کنیم و ضرورت گفت‌وگو چیست؟»، «چگونه گفت‌وگو کنیم؟»، «با چه کسانی باید گفت‌وگو کرد؟»، «در باب چه موضوعاتی می‌توان گفت‌وگو کرد؟»، «عوامل تحقق منطق گفت‌وگو چیست؟ و چرا برخی اهل گفت‌وگو هستند و برخی خیر؟» و «موانع منطق گفت‌وگو چیست؟».

در این میان مهم‌ترین نکته، ضرورت گفت‌وگوست. گفت‌وگو برکات بسیاری به همراه دارد: نخست اینکه ما با گفت‌وگو عقاید خود را به دیگران می‌شناسانیم و همچنین فهمی از عقاید دیگران پیدا می‌کنیم. دوم اینکه ما با گفت‌وگو به وجوه مشترک در دیدگاه‌ها و مواضعمان دست پیدا می‌کنیم. فایده سوم این است که ما با گفت‌وگو به نقاط ضعف و قوت دیدگاه‌های خودمان و دیگری آشنا می‌شویم. نکته چهارم این است که با گفت‌وگو برقراری ارتباط عاطفی تحقق پیدا کرده و بر این اساس از سوتفاهم‌ها جلوگیری می‌شود. در نهایت اینکه گفت‌وگو برای حل مشکلات اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند.

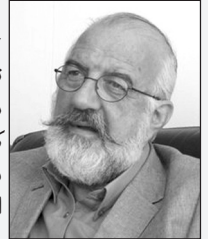
بسیاری از اندیشمندان و افراد دیگر گفت‌وگو را به عنوان روش در نظر می‌گیرند، اما من با تامل بر نظام معرفت‌شناسی امام صدر به این نتیجه رسیدم که مقوله گفت‌وگو برای وی نه روش که «فرهنگ» است. وقتی گفت‌وگو به صورت فرهنگ در می‌آید، نشان دهنده آن است که در وجود شخص نهاده‌ای شده و تمام ابعاد و ساحات وجود را دربر می‌گیرد و این گونه نیست که شخص، زمانی اهل گفت‌وگو باشد و زمانی نباشد.

زمانی شخصی از امام صدر این پرسید که «صلح و گفت‌وگو در اسلام چه جایگاهی دارد؟» امام در جواب اشاره کرد که در قرآن دو آیه بسیار مهم درباره صلح و گفت‌وگو وجود دارد. نخست آیات ۱۵ و ۱۶ سوره مبارکه مائده که در آن تأکید شده که همه ادیان الهی دو هدف مهم داشتند: صلح و خروج مردم از تاریکی به سوی نور و دوم آیه ۶۴ سوره مبارکه آل عمران که تأکید بر گفت‌وگو دارد.

در تفسیر آیات بیان شده از سوره مائده امام صدر مصادیق تاریخی را بیماری، تنگدستی، نادانی، عقب‌ماندگی و ... و مصادیق نور را تندرستی، دانایی، پیشرفت، توانمندی و ... بیان کرده‌اند. در نهایت بر مبنای این آیات مهم امام صدر

به خورشید رخ بگردانیم صلح می‌رقصد

احمد جلالی
سفیر در یونسکو



اشاره: صبح ۱۷ خرداد ۹۶، خبر ناگوار حمله تروریستی در تهران به پاریس رسید. در غربت که باشیم، این خبرها سنگین‌تر و فکرانگیزتر است. این شعر حاصل آن حال خاص بود. ساعتی بعد، پیامهای تسلیت و همدردی و محکومیت آن از جانب سفرا و مقامات یونسکو آمدن گرفت. می‌باید یک به یک به لطفشان پاسخی درخور می‌دادم. پس، نسخه انگلیسی شعر را هم، با همان مضمون، با عنوان (Turn to Light, Peace Shall Dance) سرودم و به آن پاسخها افزودم.

احمد جلالی، پاریس، ۱۷/۳/۱۳۹۶ ***

وحشت‌انگیزی و نفرت‌خیزی،
کورزادگانِ مفاکِ مسمومِ اندیشه‌های تاریک‌اند؛
نو باوگانِ نور را دور بادا زخمِ این دَخم‌گیان که
نزدیک‌اند؛
با اینان:

نه تسلیم، نه فرونشستن؛
دل‌های‌یکدله کردن، دهشت‌فکنی را فرو شکستن.
زندگی از سینه‌های تاریک می‌رمد؛
مگر بر سینه‌ای سپید، گریبان چاک مکن؛
بو که سپیده‌ی روشنی فردایمان از روشن‌گری
امروزمان بردم.

به خورشید رخ بگردانیم؛
به بالای این تک تکاویر بر شب‌زدگی؛
از این خوشتر، در این میدان،
نگردانیم اگر دانیم!
زندگی را در عشق چشیدن،
و با عشق چشاندن،
و اینچنین؛
نفرت را در مفاکِ سیاهش میراندن،
درواپسین.

سحرمی ستیزد، شب می‌گریزد؛
هان ببین،
آنک عروسی صبحِ زمین!
و، به پای اندازش،
رقص صلح،
باشکوه‌ترین!

Turn to Light, Peace Shall Dance
In Response to the Terrorist Attacks in
۲۰۱۷ June ۷ Tehran on

Terror and hatred are born blind
In the poisoned cave of a dark mind
Neither surrender nor succumb:
Moral solidarity shall overcome
Let us turn towards the light
The sole weapon with which to fight
For hatred to be left behind
Life with love must be defined
We are bound to enlighten
For our future to brighten
Finally, light shall be victorious
And the dance of peace most glorious
۲۰۱۷ June ۷, Ahmad Jalali, Paris

حکمتیار چه می‌گوید؟



مشروعیت جنگ طالبان با دولت
رهبر حزب اسلامی افغانستان در نخستین اظهارات خود جنگ طالبان با دولت را نامشروع خواند و ضمن اتخاذ موضع سرسختانه از این گروه خواست تا مذاکرات صلح با دولت کابل را آغاز کنند.

وی شبه‌نظامیان طالبان را قربانی «غرور و جهالت» خواند و با تأکید بر اینکه اگر طالبان از جنگ دست بردارند دوست وی و اگر بر جنگ ادامه دهند برضد اسلام جنگیده و دشمن وی است. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که رهبر حزب اسلامی هنوز به کابل نرسیده و در نخستین روز ظاهر شدن در بین مردم مطرح کرده است، ظاهر شدن پس از نزدیک به ۴ دهه جنگ در برابر همین دولت که اکنون با این اظهارات خود را همسو با آن دانست.

بر فرض که حکمتیار بر این اظهارات خود باور دارد، پس پرسش این است که وی طی حداقل ۱۵ سال گذشته در برابر کدام دولت و کدام ملت جنگیده است؟ آیا با آمدن حکمتیار مردم مسلمان شده و جنگ در برابر آنها نامشروع شده است؟ این اظهارات حکمتیار بیانگر اشتباه فاحش وی در جریان سال‌های گذشته است، اشتباهات که با توجیهات ناموجهی در نخستین سخنرانی خود از آن گذشت و با فرافکنی ظاهراً مردم را خرسند کرد.

حکمتیار عذرخواهی می‌کند؟

افغانستانی‌های جنگ‌زده از هر نوع مصالحه‌ای استقبال می‌کنند، مشروط بر اینکه طرف‌های مصالحه در گام نخست از تمام مردم عذرخواهی کند و در گام بعدی گناهان مرتکب شده خود را دوباره تکرار نکنند.

به همین دلیل بود که تمام اقوام افغانستان در زمان مذاکرات صلح دولت با حزب اسلامی هیچ واکنشی از خود نشان ندادند که به نحوی رضایت آنها را نشان می‌داد.

اینکه حکمتیار پس از حضور در کابل به چه سمتی می‌رود، مسئله‌ای است که تنها گذشت زمان به آن پاسخ می‌دهد، زیرا سیاست‌بازی‌های حکمتیار برای هیچ کسی قابل پیش‌بینی نبوده و نخواهد بود. با توجه به نخستین اظهارات حکمتیار، می‌توان گفت که وی همچنین به شدت در مخالفت با دولت کابل قرار داشته و با حضور در پایتخت نخستین اقدام وی جبهه‌گیری سیاسی در برابر این دولت خواهد بود.

اظهارات حکمتیار که به نوعی مهم تلقی می‌شود، باور داشتن شخص خودش به آن مهم‌تر است، اکنون پرسش این است که حکمتیار با این اظهارات به انتخابات‌هایی که در آینده برگزار می‌شود چه رویکردی نشان خواهد داد و آیا همانند توافق با رهبران جهادی آن را نادیده گرفته و موضع دیگری اتخاذ می‌کند یا خیر، پرسش‌هایی که تنها گذشت زمان به آن پاسخ خواهد داد.

در خصوص مشروعیت یا عدم مشروعیت جنگ طالبان با دولت کابل نیز همانطوری که در بالا اشاره شد، حکمتیار باید در مورد جنگ‌هایی که طی ۱۵ سال با دولت کابل و مردم افغانستان داشته باید پاسخ دهد، و مشخصاً بفرماید که آیا حملات انتحاری و استشهادی افراد خودش مشروعیت داشته یا خیر.

انتظار می‌رفت وی در نخستین سخنرانی خود در مورد چرایی تهدید هزاره‌ها نیز اشاره‌ای کند، اما تنها با عبارتی «باید گذشته را فراموش کنیم» از آن گذشت، چیزی که به هیچ صورت ضامن برقراری برادری بین یک ملت نیست.

به هر روی، اکنون تمام افغانستانی‌ها انتظار دارند تا رهبر حزب اسلامی با برگزاری مراسمی به صورت رسمی از تمام مردم افغانستان بابت تحمیل خسارات مالی و جانی که طی نزدیک به ۴ دهه انجام داده عذرخواهی کند.

حکمتیار در برابر تمام دولت‌های کابل مخالفت داشت، هیچ دولتی تاکنون مورد پذیرش وی قرار نگرفته است، اکنون چه تضمینی وجود دارد که وی یکبار دیگر با تکیه بر گذشته خود این دولت را نامشروع دانسته و جنگ در برابر آن را جائز اعلام کند، همانطوری که در برابر دولت مجاهدین که خود نیز یکی از مقام‌های ارشد و کلیدی آن بود، قد علم کرد.

انتخابات و تعیین رهبری بدون خونریزی

یکی از مسائل مطرح شده توسط حکمتیار برگزاری انتخابات و انتقال قدرت به صورت مسالمت‌آمیز و بدون خون‌ریزی بود، چیزی که هیچگاه حکمتیار به صورت عینی شاهد و ناظر آن نبوده است.

برگزاری انتخابات‌های پارلمانی و ریاست جمهوری افغانستان در غیاب و در مخالفت با خواست‌های حکمتیار طی ۱۵ سال گذشته برگزار شده و شخص حکمتیار هیچ نقشی در آن نداشته است، در حالیکه این انتخابات‌ها توأم با تقلب بوده و انتقادات شدید نهاد‌های ملی و بین‌المللی به دنبال آن بوده است.

حال مشخص نیست که حکمتیار با آنکه این انتخابات‌های گذشته، بر آن مهر تأیید می‌زند یا آن را رد کرده و خواستار برگزاری نوع دیگر انتخابات است، اما گذشته حکمتیار نشان می‌دهد که حزب اسلامی به هیچ انتخابات و توافقی پا بند نیست.

زمانیکه رهبران جهادی افغانستان در سال ۱۳۷۱ با هم به توافق رسیده و با سفر به عربستان سعودی در خانه خدا سوگند وفاداری به همدیگر و به افغانستان خوردند، سمت نخست‌وزیری در نتیجه توافقی به حزب اسلامی رسید. اما حکمتیار با خواست‌ها و آرزوهای بلندپروازانه خود به این سمت قناعت نکرده و به جای اینکه در کابل حضور یابد، دوباره به کوه‌ها رفت و سبب کشتار گسترده غیرنظامیان بی‌گناه و تخریب نصف پایتخت شد.

افغانستان خانه مشترک تمام اقوام

یکی دیگر از اظهارات روزگذاشته رهبر حزب اسلامی اتحاد اقوام و زندگی برادرانه آنها زیر یک چتر و در یک سرزمینی به نام «افغانستان» بود، اظهاراتی که حکمتیار افغانستان را خانه مشترک تمام اقوام (بدون درجه بندی اقوام) خواند. کاربران شبکه‌های اجتماعی افغانستان در پاسخ به این اظهارات حکمتیار، واکنش‌های متفاوت اما بریک محوریت از خود نشان داده و آن را نشانه پشیمانی از گذشته و یا فریب مردم از سوی وی دانسته‌اند.

رهبر حزب اسلامی افغانستان در زمانی که علیه دولت کابل می‌جنگید و جنگ علیه دولت کابل را جنگ علیه دولت دست‌نشانده آمریکا توجیه کرده و جنگ خود را جهاد می‌دانست، در سال ۱۳۹۲ در پیام عیدی خود که در تاریخ ۱۶ ماه اسد منتشر شد، قوم هزاره این کشور را به شدت تحت تهدید قرار داد.

حکمتیار در این پیام عیدی با اشاره به ایجاد ولایت‌های مستقل برای هزاره‌ها و پیشرفت‌های علمی این قوم، آن را به سود دولت و ملت افغانستان ندانسته و با تأکید بر اینکه به زودی تمام دارایی‌های هزاره‌ها حراج و زمین‌ها، خانه‌ها و شهرک‌های آنها ویران می‌شود، گفته بود هزاره‌ها در هیچ گوشه‌ای از افغانستان پناهگاه نخواهند داشت.

وی به جای استقبال از همدردی ایران با مهاجرین افغانستان، نوشته بود که ایران نیز به هزاره‌ها دیگر پناه نداده و به بدترین شکل ممکن با آنها رفتارهای غیر انسانی خواهد داشت.

شیعیان پاکستان، قربانی تروریسم سعودی - صهیونیستی

خبرگزاری اهل بیت (ع). ابنا: حملات تروریستی به شیعیان پاکستان در روز جهانی قدس در شهر پاراچنار بار دیگر مظلومیت آنان را در جامعه این کشور نشان داد. در این حمله که حدود ۱۵۰ تن از شیعیان شهید و بالغ بر ۵۰۰ تن نیز مجروح شدند از سوی محمد نواز شریف نخست وزیر پاکستان مورد بی توجهی و بی مهری قرار گرفت. به گونه ای که وی دلجویی از خانواده های کسانی که در حادثه آتش سوزی یک تانکر سوخت در «بهاولپور» در ایالت پنجاب را به حضور در میان معترضان و متخصصین شیعه در پاراچنار ترجیح داد. این اقدام نواز شریف که با انتقاد محافل مختلف در پاکستان روبرو شد سوالات مختلفی را در این باره مطرح کرد.

زمینه نظری

آن واقعه واکنش های متعددی به همراه داشت. امروز این مسئله مطرح است که چه گروهی مسئولیت حمله اخیر به شیعیان پاراچنار را در روز جهانی قدس برعهده گرفت.

با این وجود پرسش های مهم دیگری پیش می آید:

اول آنکه چرا حملات ضد مردم پاکستان بویژه شیعیان شدت یافته است و دوم آنکه چرا نخست وزیر پاکستان به خواسته های شیعیان بی توجهی کرد؟ و سوم آنکه مسئولیت دولت و ارتش در برابر تامین امنیت مردم پاکستان چیست؟

حوزه های تروریست پرور عربستان

در چنین عملیات تروریستی که در این روز مهم صورت گرفت بدون تردید عوامل صهیونیستی دست داشته اند تا به نوعی از شیعیان که مبتکر برگزاری تظاهرات ضد صهیونیستی در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان هستند انتقام بگیرند. تردیدی نیست برگزاری پرشکوه مراسم روز جهانی قدس همه ساله خاری بر چشم دشمنان اسلام و بخصوص صهیونیست ها است. حملات تروریستی و فرقه گرایانه در پاکستان مشخصا در پنج دهه گذشته، حرکتی هدفمند و سازماندهی شده از سوی فرقه ظالمة وهابیون تلقی می شود. اما در سال های اخیر، همکاری غیر قابل انکاری میان وهابیت، حکام آل سعود و عوامل صهیونیستی شکل گرفته است که در حمایت از گروه های تروریستی بخصوص داعش در سوریه و عراق مشهود است. وهابیون به دلیل در اختیار داشتن بیش از بیست هزار مدرسه مذهبی در پاکستان و گروه های شبه نظامی همچون سپاه صحابه و لشکر جهنگوی با تمام توان برنامه های فرقه گرایانه خود را در این کشور اجرا می کنند. این بدان معنا است که حملات فرقه گرایانه و تروریستی در پاکستان کاملا وارداتی و از سوی محافل وهابی هدایت و سازماندهی می شود.

شبکه تلویزیونی «دان» پاکستان اخیرا به نقل از یک دیپلمات آمریکایی فاش کرد که عربستان و امارات هر سال بالغ بر یکصد میلیون دلار به علمای وابسته در جنوب ایالت پنجاب برای ترویج افراطی گرای و دیدگاه های وهابی پول پرداخت می کنند. براساس گزارش این شبکه، این دیپلمات آمریکایی در لاهور در نامه ای محرمانه در مورخ ۱۳ نوامبر سال ۲۰۰۸ برای مقامات مافوق خود در دولت آمریکا می نویسد «علمای اهل حدیث و دیوبندی که از سوی عربستان و امارات تامین مالی میشوند با استفاده از فقر مردم جنوب ایالت پنجاب، آنان را به نام جهاد فریب می دهند و برای هر کس که کشته می شود صدها هزار روپیه به والدینشان پرداخت می کنند وی در نامه خود تاکید می کند که این پولها از طریق سازمانها و گروه هایی همچون جماعت الدعوه یا همان سپاه صحابه سابق به علمای اهل حدیث و دیوبندی پرداخت می شود».

«هنری کیسینجر» وزیر امور خارجه اسبق آمریکا

نیز هدف مهم این کشور و عربستان از دامن زدن به فرقه گرایی در پاکستان را، مقابله با انقلاب اسلامی اعلام و تاکید کرد: «بهترین راه برای جلوگیری از گسترش و نفوذ انقلاب اسلامی در میان سایر جوامع اسلامی این است که با ایجاد یک حرکت هدایت شده اسلامی از جمله در پاکستان، که در عین حال مطابق با سیاستها و خواسته های واشنگتن نیز باشد به مقابله با انقلاب اسلامی برخیزیم.»

همکاری سعودی صهیونیستی

در این حال ظهور گروه تروریستی داعش در سه سال گذشته در پاکستان و افغانستان که پس از شکستهای پی در پی آن در سوریه و عراق صورت گرفت نشان داد که پدیده شوم دیگری که ماحصل همکاری عوامل وهابی و صهیونیستی است برای دامن زدن به فرقه گرایی و کشتار شیعیان در پاکستان و منطقه شکل گرفته است. به همین دلیل مردم پاکستان چه شیعه و چه سنی با برگزاری تظاهرات و تحصن در مناطق مختلف این کشور در برابر حملات اخیر تروریستی در پاراچنار و کوپته یک صدا ایستادند و آنها را محکوم کردند.

صاحب زاده حامد رضا رئیس شورای اهل تسنن پاکستان ضمن محکوم کردن دخالت های عربستان و وهابیون در امور داخلی آن کشور تاکید کرد: «عربستان بر فرقه و تفکر انحرافی و ضالمة محمد بن عبدالوهاب تکفیری استوار است و به همین دلیل برای هیچ گروهی از مسلمانان الگو نخواهد بود. از اینرو علمای اهل تسنن پاکستان ارتباط محکمی با عربستان ندارند. حکام آل سعود نیز مخالفان خود را در پاکستان از سفر به حج عمره محروم کرده است.»

جامعه آماری شیعیان

آمار دقیقی در مورد جمعیت شیعیان در پاکستان در دست نیست. براساس آمار مرکز تحقیقات «پیو» بین ده تا پانزده درصد و براساس آمار اطلاعات جهانی متعلق به سازمان «سیا» آمریکا و همچنین آمار مجمع جهانی اهل بیت (ع) ۲۰ درصد جمعیت حدود ۱۸۰ میلیون نفری پاکستان را شیعیان تشکیل می دهند.

شیعیان پاکستان در مناطق مختلف این کشور پراکنده اند که بیشترین جمعیت آنان در پاراچنار در شمال پاکستان ساکن هستند که مشخصا از سال ۲۰۱۲ آماج حملات تروریستی و فرقه گرایانه قرار گرفته اند. از اینرو حملات تروریستی به مردم پاراچنار نماد مظلومیت شیعه در پاکستان تلقی می شود. زیرا به رغم درخواست های مکرر مردم این کشور برای تامین امنیت و جلوگیری از حملات فرقه گرایانه، همچنان مناطق مهم و حساس پاکستان همچون پاراچنار، کوپته، کراچی و پیشاور آماج حملات تروریستی قرار دارند.

پاکستان، جولانگاه وهابیت

وهابیون به چند دلیل پاکستان را مرکز فعالیت های خود قرار داده اند.

اول آنکه این کشور با نام کشور اسلامی شکل گرفت و مردم پاکستان علاقه زیادی به فراگیری علوم اسلامی دارند که در پنج دهه اخیر مورد سو استفاده حکام سعودی و وهابیون قرار گرفت و فرصت مناسب را برای ایجاد مدارس دینی فراهم کرد.

دوم، نیاز دولتمردان و امرای ارتش پاکستان برای همکاری با آل سعود جهت جلب کمک های مالی و انرژی زمینه فعالیت های فرهنگی و مذهبی وهابیون در پاکستان را به طریق مختلف احداث مسجد، مدارس مذهبی، ایجاد نشریه و نفوذ در مقامات سیاسی و نظامی فراهم کرد.

سومین دلیل تبدیل پاکستان به مرکز فعالیت وهابیون همجواری آن با افغانستان و هندوستان است. با توجه به وجود برخی حساسیت ها در محافل مختلف پاکستان در مورد این دو کشور به عنوان رقیب و حیات خلوت پاکستان، وهابیون در تشکیل

گروه های فرقه گرایانه و تروریستی به بهانه مقابله با آنها نقش داشتند که اکنون این گروه ها، حملات تروریستی و فرقه گرایانه را به افغانستان نیز کشانده اند.

با این حال حملات اخیر تروریستی در پاراچنار برخی مسایل را نیز برای مردم پاکستان روشن تر کرد. اول آنکه مردم این کشور با برگزاری تظاهرات در شهر های مختلف یکصدا کشتار شیعیان را در پاراچنار محکوم کردند و احزاب و گروه های مذهبی بخصوص سنی از تحصن هشت روزه مردم این شهر حمایت کردند. این حمایت نشان داد که از نظر مردم پاکستان فرقه گرایی در هر نوع آن محکوم است و مردم پاکستان اجازه نخواهند داد که وهابیون و خاندان آل سعود بخوانند با فرقه گرایی جنگ داخلی در این کشور به راه بیاورند.

علامه راغب نعیمی از علمای اهل سنت لاهور پاکستان و مسئول حوزه علمیه نعیمییه از بزرگترین حوزه های علمیه این شهر ضمن محکوم کردن کشتار شیعیان آنها دسیسه ای حساب شده برای ایجاد تفرقه در پاکستان دانست و تاکید کرد: «شیعیان در این کشور در سال های اخیر قربانی تروریسم شده اند. زیرا دشمنان پاکستان نمی خواهند همزیستی مسالمت آمیز میان همه مردم این کشور چه شیعه و چه سنی ادامه پیدا کند».

علامه راغب نعیمی ضمن اعلام حمایت قاطع از شیعیان پاکستان تاکید کرد برادران سنی همواره در کنار شیعیان بوده اند.

دومین پیامد حمله تروریستی در پاراچنار سفر ژنرال قمر جاوید باجوفا فرمانده نیروی زمینی ارتش پاکستان به این شهر و دیدار با بزرگان و علمای این شهر بود. هر چند این سفر به نشانه دلجویی و دادن اطمینان به شیعیان در مورد تامین امنیت صورت گرفت اما به نظر می رسد به نوعی اختلاف در این خصوص میان ارتش و دولت حزب مسلم لیگ نواز را برجسته کرد. باجوفا که چند ماهی بیشتر از انتصابش به عنوان فرمانده نیروی زمینی ارتش پاکستان نمی گذرد همواره وعده مقابله با تروریستها و تامین امنیت مردم در مناطق مختلف را داده است. بنابراین ادامه حملات تروریستی و کشتار مردم پاکستان برای وجهه ارتش این کشور چندان خوشایند نیست و می تواند موقعیت و اعتبار ارتش پاکستان را نزد مردم این کشور مخدوش کند. به همین دلیل فرمانده نیروی زمینی ارتش پاکستان با خواسته های معترضان و علمای پاراچنار مبنی بر خارج کردن نیروهای شبه نظامی تحت کنترل دولت که امنیت پاراچنار را برعهده دارند و همچنین محاکمه فرمانده آنان به نام سرهنگ «عمر» که دستور شلیک به معترضان را صادر کرده بود موافقت کرد.

با این حال کاملا مشخص نیست که در صورت خروج نیروهای شبه نظامی از پاراچنار آیا دولت اسلام آباد نیروهای امنیتی و پلیس را در این شهر افزایش خواهد داد و یا اینکه نیروهای ارتش مستقر خواهند شد.

با توجه به اینکه دولت نواز شریف همواره با استقرار نیروهای ارتش در خیابانها برای تامین امنیت مخالف بوده است مشکل می توان تصور کرد که اجازه استقرار نیروهای ارتش را در پاراچنار صادر کند. کودتای بدون خونریزی سال ۱۹۹۹ پرویز مشرف فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش پاکستان ضد نواز شریف که نخست وزیر پاکستان بود وی را در مورد عملکرد ارتش بدبین کرده است. از اینرو نواز شریف ترجیح می دهد برای تامین امنیت شهرها از نیروهای شبه نظامی تحت کنترل وزارت کشور پاکستان استفاده کند. به همین دلیل به نظر می رسد وضعیت امنیت شیعیان در پاراچنار همچنان در وضعیت

بلا تکلیفی باشد.

در این حال بی توجهی نواز شریف به کشتار مردم پاراچنار با انتقاد شدید محافل سیاسی در پاکستان قرار گرفته است. عمران خان رئیس حزب مخالف تحریک انصاف با انتقاد شدید از این رفتار نواز شریف تاکید کرد از دیدگاه نخست وزیر به نظر می رسد شیعیان جز مردمان پاکستان نیستند. این در حالی است که شیعیان کوپته و پیشاور نیز پاکستانی هستند و باید نواز شریف به آنان توجه و دلجویی کند.

محافل سیاسی در پاکستان بی توجهی نواز شریف به کشتار شیعیان این کشور و نرفتن به پاراچنار برای دلجویی از بازماندگان شهدای حمله تروریستی روز جهانی قدس را نوعی ادای دین به حکام آل سعود ارزیابی می کنند. در واقع نواز شریف با بی توجهی به کشتار شیعیان چشمان خود را بر روی انتقام گیری وهابیون و سعودی ها از شیعیان بست. نواز شریف که با خاندان آل سعود از روابط خانوادگی برخوردار است برای دلجویی از آنان در ارتباط با موضع بی طرفانه اسلام آباد در قبال اختلافات عربستان و قطر، کشتار شیعیان را از سوی عوامل وهابی نادیده گرفت. به همین دلیل عمران خان این رفتار نواز شریف را تاسف بار خواند.

«یورام عبدالله ویلر» کارشناس آمریکایی کشتار شیعیان در پاکستان را دسیسه عربستان و امریکا برای خنثی کردن مقاومت در برابر تحرکات تروریستی آنان می داند و بر این اعتقاد است «کشتار هدفمند شیعیان در پاکستان بخشی از دستور کار واشنگتن و ریاض برای ایجاد هرج و مرج در پاکستان و منطقه از طریق ترویج خشونت های قومی و مذهبی است.

وی تاکید کرد کشتار شیعیان به معنای آغاز تلاش وهابیون برای پاکسازی مذهبی شیعیان در پاکستان است.

علامه راجه ناصر عباس جعفری دبیر کل مجلس وحدت مسلمین پاکستان نیز در دیدار با قمر جاوید باجوفا فرمانده نیروی زمینی ارتش پاکستان تاکید کرد: گروه های تروریستی از جمله سپاه صحابه، جماعت الاحرار و داعش قصد دارند پاکستان را ناامن کنند تا به اهداف شوم خود برسند.

جمع بندی

در هر حال هر چند شیعیان پاکستان حضور پر رنگ و تاثیر گذاری در ساختار سیاسی این کشور ندارند اما از احزاب و گروه های قدرتمندی همچون مجلس وحدت مسلمین پاکستان برخوردارند که همواره برای تحکیم پایه های وحدت ملی در این کشور با گروه ها و احزاب سنی بخصوص شورای اهل تسنن پاکستان همکاری دارند. مردم این کشور همواره با تیز بینی و هوشیاری مانع از وجهه المصالحه قرار گرفتن گروه های مذهبی پاکستان میان دولت و یا ارتش این کشور با محافل خارجی بخصوص عربستان شده اند. به همین دلیل در محکومیت جنایات تروریستها در پاکستان، مردم این کشور یک صدا و یک پارچه با برگزاری تظاهرات گسترده و تحصن، حملات تروریستی را محکوم و خواستار دستگیری و مجازات عاملان آنها شده اند. بی توجهی دولت پاکستان به این مساله و ادامه ترورهای هدفمند در این کشور باعث شده است تا محافل سیاسی، دولت اسلام آباد را به مامشات و ملاحظه کاری در برخورد با گروه های تروریستی متهم کند که عمدتا شناخته شده نیز هستند.

محمدرضا تمری

ایادی در دوران نخست‌وزیری هویدا تا توانست وزیر بهائی وارد کابینه کرد و این وزرا بدون اجازه‌ی وی هیچ کاری نمی‌کردند. به نحوی می‌توان گفت که سلطان واقعی ایران یک بهائی بود و در زمان وی، بهائی‌ها مشاغل مهمی داشتند و در ایران بهائی بیکار وجود نداشت و جمعیت آنها در ایران در زمان ایادی به سه برابر رسید...

نگاه مرجعیت شیعه به بهائیت بعد از شهریور ۱۳۲۰ یک نگاه دین‌مدارانه بود. اینها گروهی بدعت‌گذار و دین‌ساز بودند که هدفشان به گفته‌ی مرحوم بدلا، سست کردن عقاید جوانان بوده و در اصل، این فرقه برای تضعیف دین اسلام پی‌ریزی شده بود و مکتب آنها بر هیچ بنیادی استوار نبود. افزون بر وابستگی آنها به بیگانگان و قدرتمند شدن تدریجی آنان در ایران، بیم آن می‌رفت که بر مؤمنان سلطه یابند؛ لذا روحانیت در همان حال با باییت و بهائیت مخالف بود. (۱)

در ماجرای نفوذ بهائیان، دست‌های استعمار به خصوص آمریکا نمایان بود و آیت‌الله بروجردی از نفوذ سریع و گسترده‌ی بهائیان با ورود دکتر ایادی به عنوان طبیب مخصوص شاه در رأس حکومت، احساس خطر می‌نمود و ملاحظه می‌کرد که چگونه بابیان و بهائیان رگ و ریشه‌ی حکومت اسلامی را به دست می‌گیرند.

ایشان حتی زمانی که در بروجرد حضور داشتند، شاهد فعالیت بهائیان بودند؛ ابتدا سعی کردند از راه قانونی جلوی اقدامات آنها را بگیرند و چون با کارشکنی دولتمردان مواجه شدند، ناچار به عنوان اعتراض، شهر را ترک گفتند و به دنبال آن، مردم شهر به هیجان آمدند. در این هنگام، دولت احساس خطر کرد و فوراً مقدمات بازگشت ایشان را فراهم نمود و طی یک اقدام فوری، محافل علنی بهائی را تعطیل و ممنوع اعلام کرد و افراد وابسته به آنها را از ادارات دولتی اخراج نمود. پس از آن آیت‌الله مورد استقبال پر شور مردم قرار گرفتند و وارد شهر شدند. (۲)

بهائیان در ایران محافلی را تشکیل می‌دادند و از رهبرشان در عکای اسرائیل پیروی می‌کردند. آنان در یکی از اعلامیه‌ها به محافل بهائی دیگر اعلام کردند که برای وصول به سرمنزل مقصود، در این چند ماه باقی مانده از آخرین سال قرن اول دوره‌ی بهائیت، باید با همتی بی‌نظیر و فعالیت بی‌مثیل مراحل باقیه را پیمود و در این راه نهایت جدیت و مداومت را نمود، تا دستور مطلع مقدس به نحو اکمل و اتم اجرا و تنفیذ گردد. (۳)

گسترش فعالیت بهائی‌ها و نفوذ آنان در دستگاه‌ها و ادارات دولتی، سبب شد که مردم شهرهای مختلف با ارسال نامه‌ها و تلگراف‌ها، مقامات دولتی و علمای تهران و شهرستان‌ها را از این وضع آگاه سازند و شکایات خود را به گوش آنان برسانند.

مرحوم فلسفی، واعظ شهیر، در انتقاد از شاه از اینکه یک بهائی به نام «ایادی» را به عنوان طبیب مخصوص خود انتخاب کرده بود، در مسجد شاه با صراحت گفت: «علیحضرت! مملکت این همه طبیب مسلمان دارد. مردم ناراحت هستند از اینکه یک بهائی طبیب مخصوص شماست. او را عوض کنید». ولی شاه او را تغییر نداد و حتی از حرف‌های آقای فلسفی ناراحت شد، و گفت: «اینها چه کار به طبیب من دارند؟» (۴)

همین طبیب بهائی، با نفوذترین فرد دربار و به تدریج با نفوذترین فرد کشور شد و برای خود در حدود ۸۰ شغل ایجاد کرد و حتی دادن بسیاری از مقامات و درجات به دست وی صورت می‌گرفت

نقش آیت الله العظمی بروجردی در مبارزه با فرقه بهائیت

بسیاری از محافل بهائی را تخریب و در تهران نیز مرکز بهائیان به نام «حظیره القدس» را تصرف کردند.

سرانجام با فشارهای مردمی، شاه طی اعلامیه‌ای اظهار داشت:

«چون تظاهرات و تبلیغات فرقه‌ی بهائی موجب تحریک احساسات عمومی شده است، لذا به منظور حفظ نظم و انتظامات عمومی، دستور داده شد قوای انتظامی، مراکز این فرقه را که حظیره القدس نامیده می‌شود اشغال نمایند که از هر گونه پیشامدهای احتمالی جلوگیری شود. اینک فرمانداری نظامی شهرستان تهران از همه‌ی هم میهنان عزیز انتظار دارد در این مورد نیز مراعات نظم عمومی را نموده و از هر گونه تظاهرات و حرکات خودسرانه که مخل انتظامات عمومی است، جدا بپرهیزند و یقین داشته باشند که دولت در اجرای منویات اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی به احساسات و تمایلات مردم توجه داشته و همواره در اندیشه‌ی آسایش و بر آوردن نیازهای عمومی است» (۱۸)

آیت‌الله بروجردی از تلاش‌های آقای فلسفی به خاطر مبارزه با بهائیان ابراز شادمانی و بر ادامه‌ی مبارزه و مقابله با آنها تأکید کردند.

به دنبال بسته شدن حظیره القدس و شدت یافتن مبارزات روحانیت علیه بهائی‌ها سیل نامه‌ها در حمایت از این مبارزات سرازیر شد؛ به طوری که روزی تقریباً بیست نامه و تلگراف می‌رسید و آقای فلسفی روزی چهار ساعت از وقت خود را صرف مطالعه‌ی آنها می‌کرد. (۱۹)

آیت‌الله بهبهانی هم طی تلگرافی به شاه از اقدام وی برای بستن حظیره القدس تشکر کرد و نیز طی تلگرافی به آیت‌الله بروجردی، آن روز را برای مردم عید دانست و به ایشان تبریک گفت.

آیت‌الله آقا سید عبدالهادی شیرازی از نجف در تأیید مبارزات آیت‌الله بروجردی اعلامیه‌ای صادر کرد که آقای فلسفی آن را در منبر قرائت نمود. از سراسر ایران طومارهایی ارسال شد که بزرگترین آنها طوماری بود که از کرمانشاه رسید و شصت - هفتاد هزار نفر آن را امضا کرده بودند. (۲۰)

با همه‌ی این تیریک و تشکرها، بر اثر نفوذ بهائیان در کنگره‌ی آمریکا، شاه تحت فشار قرار گرفت و مصمم شد مانع از سخنرانی آقای فلسفی شود. از طرف شاه، سرلشکر علوی و سرتیپ بختیار نزد آقای فلسفی آمدند و پیام شاه را مبنی بر خودداری از سخنرانی به وی ابلاغ کردند و گفتند: «آقای فلسفی! ما الان حضور اعلیحضرت بودیم. امر فرمودند که ما دو نفر با هم اینجا بیاییم و به شما ابلاغ کنیم که از امروز به بعد دیگر درباره‌ی بهائیان صحبت نکنید».

آقای فلسفی در جواب گفت: «این به مصلحت نیست» و چهار پیشنهاد داد: ۱- اول اینکه پخش سخنرانی مرا از رادیو متوقف کنید. ۲- الان مرا بگیرید و زندانی کنید. ۳- روی منبر بگویم امروز سرلشکر علوی و تیمسار بختیار به منزل من آمده‌اند و از طرف اعلیحضرت پیام آورده‌اند که دیگر درباره‌ی بهائیان حرفی نزنم. ۴- صحبت‌هایم را به همان سبک ادامه دهم.

آن دو نفر پیشنهادات آقای فلسفی را نپذیرفتند و گفتند: «به اعلیحضرت توهین می‌شود». آقای فلسفی در جواب گفت: «اگر بگویم اعلیحضرت گفته، به ایشان توهین می‌شود، اما اگر اسلام، مسلمانان، آیت‌الله بروجردی و من مورد اهانت واقع شویم مانعی ندارد؟» و مذاکره بدون نتیجه قطع شد و فلسفی به سخنرانی خود علیه بهائیان تا آخر ماه رمضان ادامه داد. (۲۱)

در همین زمان طرحی توسط عده‌ای از نمایندگان مجلس تهیه شده و به موجب آن، این فرقه‌ی ضاله، غیرقانونی اعلام شد

ادمه در صفحه بعد

شخصیه‌ی خود را بر مصلحت مملکت ترجیح می‌دهد. به هر تقدیر مذاکرات در این موضوعات را لغو و بیهوده می‌بینم؛ لذا ابدا در این موضوعات و غیر این موضوعات مطلبی ندارم». (۱۱)

به هر حال فعالیت‌های بهائی‌ها و بی‌توجهی دولت‌های وقت و شخص شاه به این مسئله آیت‌الله را ناراحت و متأثر کرد و در سال ۱۳۳۳ طی نامه‌ای دیگر از آقای فلسفی خواستند با شاه ملاقات کند و اعتراض و گلهمندی آیت‌الله را از وضعیت بهائیان به اطلاع او برساند. (۱۲)

رفتارهای نادرست بهائیان و تبلیغ و ترویج بهائیت در ایران و نیز نفوذ آنان در دستگاه‌های دولتی موجی از حساسیت و مخالفت را بین مردم برانگیخت و مردم با ایمان با طومارهایی بار دیگر آیت‌الله بروجردی را در یک فشار شدید افکار عمومی قرار دادند. آیت‌الله بروجردی ابتدا سعی کردند از طریق دولت‌های وقت و ارسال نامه به وسیله‌ی آقای فلسفی خطر بهائیان را گوشزد کنند؛ ولی تذکر آیت‌الله اثر نکرد. پس از رزم‌آرا، مصدق به نخست‌وزیری رسید و آقای فلسفی پیام آیت‌الله را درباره‌ی فعالیت بهائیان به وی اعلام کرد و گفت: «شما رئیس دولت اسلامی هستید و الان بهائی‌ها در شهرستان‌ها فعال هستند و مشکلاتی را برای مردم مسلمان ایجاد کرده‌اند؛ لذا مرتباً نامه‌هایی از آنان به عنوان شکایات به آیت‌الله بروجردی می‌رسد. ایشان لازم دانستند که شما در این باره اقدام بفرمایید». دکتر مصدق به گونه‌ی تمسخرآمیزی، قاه قاه و با صدای بلند خندید و گفت: «آقای فلسفی از نظر من مسلمان و بهائی فرقی ندارد. همه از یک ملت و ایرانی هستند». (۱۳)

با توجه به اینکه اقدامات آیت‌الله بروجردی به جایی نرسید، آقای فلسفی در سال ۱۳۳۴ به ایشان عرض کرد: «آیا شما موافق هستید مسئله‌ی بهائی‌ها را در سخنرانی‌هایی که در مسجد شاه ایراد می‌کنم و به طور مستقیم از رادیو پخش می‌شود، تعقیب کنم؟» ایشان فکری کردند و فرمودند: «اگر بگوئید خوب است. حالا که مقامات گوش نمی‌دهند، اقلاً بهائی‌ها در برابر افکار عمومی کوبیده شوند». (۱۴)

آیت‌الله به آقای فلسفی گفتند: «قبلاً این موضوع را به شاه بگوئید که بعداً مستمسک به دست او نیاید که کارشکنی و پخش سخنرانی را از رادیو قطع کند» بعد از مدتی آقای فلسفی شاه را در جریان مسئله‌ی نفوذ بهائیان قرار داد و شاه هم گفت: «بروید بگوئید» (۱۵)

آقای فلسفی موضوع را به وعاظ تهران نیز اعلام کرد که در مساجد و در ماه رمضان علیه بهائیان دست به تبلیغ بزنند. ماه رمضان فرا رسید و موضوع مبارزه علیه بهائیان در رأس کلیه‌ی مطالب وعاظ و روحانیون قرار گرفت. هماهنگی روحانیون در مبارزه علیه بهائی‌ها و به خصوص پخش مستقیم اظهارات آقای فلسفی از رادیو، کم کم افکار و اذهان عمومی را به خود جلب کرد و در مدت کوتاهی کلیه‌ی مسائل سیاسی و وقایع جاری کشور را تحت الشعاع قرار داد. (۱۶)

آیت‌الله بروجردی در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی کیهان، نقطه نظرات خود را درباره‌ی بهائیان چنین اعلام کردند:

۱- در جریان مبارزه با بهایی‌ها نظم و آرامش در سراسر کشور برقرار شود.

۲- باید حظیره القدس را ویران کرد و ساختمان جدید در تصرف انجمن خیریه باشد.

۳- کلیه‌ی بهائیان از ادارات دولتی و بنگاه‌های ملی هر چه زودتر طرد شوند و دولت از مجلس بخواهد که طرحی را از مجلس بگذرانند که تمام بهائیان از کشور خارج شوند. (۱۷)

با وجود سفارشات آیت‌الله بروجردی و روحانیون مبنی بر ایجاد نظم و آرامش، مردم که از جسارت‌ها و خصومت‌های بهائی‌ها به تنگ آمده بودند،

ایادی در دوران نخست‌وزیری هویدا تا توانست وزیر بهائی وارد کابینه کرد و این وزرا بدون اجازه‌ی وی هیچ کاری نمی‌کردند. به نحوی می‌توان گفت که سلطان واقعی ایران یک بهائی بود و در زمان وی، بهائی‌ها مشاغل مهمی داشتند و در ایران بهائی بیکار وجود نداشت و جمعیت آنها در ایران در زمان ایادی به سه برابر رسید. (۵)

حسین فردوست که خود یک درباری بود، می‌گوید: «من که در دربار بودم، نمی‌دانستم که آیا شاه بر ایران سلطنت می‌کند یا ایادی؟ او بهائی‌ها را در همه جا گمارده و بر مردم مسلط کرده بود». بسیاری از بهائی‌ها در [شناسنامه‌شان] در مقابل مذهب می‌نوشتند «مسلمان»؛ در حالی که بهائی بودند. در واقع ایادی مهم‌ترین مهره‌ی بیگانه و جاسوس انگلیس و سپس آمریکا بود.

نامه‌های زیادی به دست آیت‌الله بروجردی می‌رسید که از گسترش فعالیت بهائیان حکایت داشتند. مردم به اطلاع ایشان می‌رساندند که فلان فرماندار و یا رئیس فلان اداره بهائی هستند و چه‌ها که نمی‌کنند. این گونه شکایات و نامه‌ها آیت‌الله را بر آن داشت که به صورت جدی وارد صحنه‌ی مبارزه با بهائیان شود. (۶)

آیت‌الله در سال ۱۳۲۹ طی نامه‌ای به آقای فلسفی اعلام کردند که با نخست‌وزیر، رزم‌آرا، ملاقات کند و به دنبال شکایت مردم الیگودرز جلوی فعالیت بهائیان را بگیرد. (۷)

بهائیان در شهرهای مختلف دست به اقداماتی زدند؛ از جمله در یکی از دهات یزد، بهائی‌ها چند نفر از مسلمانان را به قتل رساندند. آیت‌الله بروجردی در این باره اقدام کردند که قاتلین محاکمه و مجازات شوند. این واقعه سبب شد که مردم به فکر کشتن سران بهائی بیفتند و دکتر برجیس یهودی بهائی شده را در کاشان کشتند. (۸)

در سیزدهم دی ماه ۱۳۲۸ در ابرقو چند نفر بهائی شبانه به خانه‌ی پیرزنی شیعی که بر اعتقادات خود پای می‌فشرد، حمله کردند و شش نفر را به طرر فجیعی به قتل رساندند. جرم این پیرزن این بود که به بهائی‌ها فحاشی کرده و نیز در مساجد و مجالسی که وعاظ مشغول موعظه بودند، در پای منبر با صدای بلند فریاد زده بود که عباس افندی و سران بهائی را لعن کنید. (۹)

در سروستان محلی وجود داشت که عده‌ای از مردم آن بهائی بودند. البته مسلمانان آنجا کمتر از بهائی‌ها نبودند، ولی به قدری بین آنها اختلاف وجود داشت که حاضر می‌شدند برای سرکوب همدیگر از بهائیان کمک بگیرند و با آنها همکاری کنند. در یکی از روزهای سال ۱۳۲۹ در ماه مبارک رمضان، محمدحسین ارستجانی برای تبلیغ به سروستان رفت و اوضاع متشنج آنجا را دید و خود عیناً مشاهده کرد زمانی که مردم مشغول عزاداری در مسجد بودند، یک عده ریختند توی مسجد و به مردم اهانت کردند و حتی بهائی‌ها چاه حمام مسجد را پر کردند. روزی زن کدخدا شمس‌الدین، توی حمام مشغول استحمام بود اینها به حمام زنانه هجوم بردند و زن کدخدا را لخت و عریان از حمام بیرون کشیدند. (۱۰)

طی سال‌های ۱۳۲۵ به بعد، از شهرهای مختلف درباره‌ی نفوذ بهائی‌ها، سیل شکایات به دست آیت‌الله بروجردی و مسئولان دولتی می‌رسید. آیت‌الله بروجردی با دادن تذکراتی به دولت‌های وقت کوشیدند تا از نفوذ بهائی‌ها جلوگیری کنند. در ۲۸ شهریور ۱۳۲۸ ضمن نامه‌ای به آقای فلسفی نوشتند: «ایجاد نفوذ و تقویت این فرقه از روی عمد و قصد است نه خطا و سهو و تظاهراتی که نادرا [از سوی دولت] مشاهده می‌شود، علیه آنها، فقط و فقط تظاهر و اغفال است نه حقیقت و این دستگاه یا آلت صرف و متحرک و بدون اراده و اختیار است یا به غلط مصلحت مملکت را در تقویت و موافقت منویات اینها تشخیص داده، یا مصلحت

گفت‌وگو برای امام صدر «فرهنگ» است نه روش

ادامه از صفحه اول

امام صدر اعتقاد داشت که اسلام بر ساخت فرهنگ مومنانه برای انسان‌ها فراوان کار کرده است. اسلام شرح صدر و ظرفیت وسیعی برای قبول و اقتباس فرهنگ‌های بشری و هضم آن در درون خود دارد. البته در این میان امام صدر آگاه است که دین دارای منابع مشخصی است، اما در مواردی از اهداف دین برای جامعه بشری می‌توان از دیگر فرهنگ‌ها هم استفاده کرد. به هر حال خداوند خرد و اندیشه را فقط به مسلمانان نداده است.

مسلمانان برای حل معضلات خود باید با همدیگر گفت‌وگو کنند. امام صدر نیز از این قاعده مستثنی نیست، اما فراموش نکنیم که امام اندیشمندی نیست که در برج عاج خود حضور داشته باشد. امام مصلحی است که رساندن جامعه اسلامی به سرمنزل مقصود را بر عهده دارد هرچند که در ظاهر صرفاً رهبری شیعیان لبنان بر دوشش بود. بر این اساس امام صدر با همه پیروان ادیان و فرق لبنان در ارتباط بوده و ضمن گفت‌وگو با آنها به حل مشکلاتشان نیز می‌پردازد. فراموش نکنیم که این گفت‌وگو با دیگران به معنای پذیرش پلورالیسم در نظر ایشان نیست.

همچنین امام صدر در روش خود به خوبی نشان می‌دهد که منطق گفت‌وگو باید همراه با «مخاطب شناسی» باشد. ایشان با شناخت درست از مخاطب روش‌های مختلفی را در مواجهه با افراد مختلف در پیش می‌گیرد. در منطق گفت‌وگویی امام صدر شاهد هستیم که ایشان از همه ابعاد و ظرفیت‌های گفت‌وگو بهره می‌برد. یکی از این ظرفیت‌ها که همیشه طرف توجه امام قرار داشت، «روزنامه‌نگاران بودند». امام صدر در دوره‌ای که هیچ عالمی به روزنامه‌نگاران توجه نمی‌کرد، اهمیت ویژه‌ای برای گفت‌وگو با روزنامه‌نگاران قائل بود و به کارشان بسیار اهمیت می‌داد.

امام موسی صدر در بحث درباره فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر نکات جالبی را مطرح می‌کند. او از این فرمان امیرالمومنین به مالک که «خود را از مردم جدا نکن» نتیجه می‌گیرد که دوری از مردم مکروه است و باعث می‌شود تا حاکمان نقدپذیر نشوند. امروزه فرهنگ نقدپذیری در دانشگاه‌های ما نیز رواج ندارد چه برسد به مردم کوچه و بازار.

امام صدر می‌گوید که اگر با مردم عادی در ارتباط باشی نقدپذیری می‌شوی، اما اگر فاصله داشته باشی، باعث می‌شود تا مردم تو را بزرگ تلقی کرده و از نقدت واهمه داشته باشند. اگر ارتباط حاکمان با مردم عادی وجود داشته باشد، آنها بسیار راحت حرف خود را زده و نقدشان را بیان می‌کنند، بر این اساس آستانه تحمل حاکم بالا می‌رود. بنابراین زمانی که نقدپذیری به عنوان یک فرهنگ درآمد آستانه تحمل نیز بالا می‌رود.

وقتی انسان بداند که خداوند همه حقایق را به او نداده و دیگران نیز بهره‌هایی از حقیقت دارند، نیز باعث می‌شود تا گفت‌وگو بدل به فرهنگ شود.

سیره امام صدر نشان می‌دهد که مستدل سخن گفتن در همه مقولات به ویژه مسائل اجتماعی، اصل مهم در روش گفت‌وگوست. همچنین آراشم در سخن گفتن، عصبانی نشدن، با صراحت سخن گفتن، شفافیت در اعلام موضع، شرح صدر و مدیریت خود را داشتن نیز از دیگر مسائل مهم در روش گفت‌وگوست. در نهایت اینکه منطق گفت‌وگو یک اصل استمرارپذیر است و بر همین مبنا نیز امام صدر در زمان فعالیت خود با طیف‌های مختلف در حال گفت‌وگو است.

آیت الله سیستانی پایگاه مرجعیت را در بین مردم حفاظت و صیانت می‌کند



فتواها مانند فتوای تحریم تنباکوی میرزای شیرازی یا همین فتوای آیت الله سیستانی در شرایط خاص جامعه عراق در مقابله با داعش، بسیار سرنوشت‌ساز بوده است. این فتواها به جا و مطابق شرایط زمانی و مکانی خودش صادر شده است و باید عالمان ما برای صدور فتوا، عالم به زمان باشند.

این استاد حوزه درباره نقش استعمارگران در تضعیف جایگاه مرجعیت گفت: همیشه استعمارگران سعی کردند تا نقش مرجعیت را در کشورهای اسلامی مانند ایران و عراق که شیعیان حضور چشمگیری دارند، تضعیف کنند.

حجت‌الاسلام والمسلمین غرویان تصریح کرد: آنها می‌دانند که مرجع تقلید برای مردم حکم امام یا پیغمبر را دارد. به هر حال فتوای مرجع حکم خداست و مردم هم در راه خدا ایثارگری و از خود گذشتگی دارند. استعمارگران همیشه برای تضعیف مرجعیت تلاش کردند؛ برخی از کسانی که چهره‌ی مرجعیت را تخریب می‌کنند روشنفکران دینی تندرو مانند تقی‌زاده در زمان مشروطه هستند و آنها هم عملکرد اشتباهی داشتند، بنابراین استعمارگران هم از برخی روشنفکران دینی افراطی استفاده کردند. مرجعیت معتدل ما که هم به علوم جدید توجه می‌کند و هم جانب دین را دارند، در بین مردم جایگاهی ویژه دارند.

تأثیر فتوای آیت الله سیستانی در جامعه عراق، گفت: فتوا باید با وجدان، فطرت و عقل انسان هماهنگ باشد و مبتنی بر اصول و استدلال‌های فقهی باشد؛ در چنین شرایطی فتوا می‌تواند موثر واقع شود اما اگر فتوا پایه‌های فقهی ضعیف یا هماهنگ با عقلانیت، وجدان و فطرت انسان نباشد نمی‌تواند تأثیرگذار باشد. از این جهت فتواهای آیت الله سیستانی براساس زمان شناسی و مردم شناسی دقیق ایشان اعلام شد. او ادامه داد: از این جهت فتواهای آیت الله سیستانی می‌تواند در جامعه عراق در مورد مسایل اجتماعی و سیاسی بسیار وحدت آفرین باشد و همه گروه‌های مختلف مذهبی کنار یکدیگر بایستند.

او اضافه کرد: علاوه بر ساده زیستی، سلوک شخصیتی و رفتاری ایشان، من بسیار شنیدم که آیت الله سیستانی آخرین کتاب‌های علمای حوزه علمیه قم را مطالعه می‌کند، از آخرین تحلیل‌های سیاسی جهان با خبر است؛ این امر برای مردم بسیار قابل توجه است، بنابراین سخنان ایشان برای مردم حجت و اعتبار دارد. چون مردم صداقت را در کلام و رفتار ایشان حس می‌کنند؛ حتی بزرگترین سیاستمداران عراق این نقش پدانه آیت الله سیستانی را پذیرفته اند و نسبت به این مساله اذعان دارند.

این استاد حوزه با توجه به تأثیرگذاری برخی از فتواها در جهان اسلام، توضیح داد: برخی از

حجت الاسلام و المسلمین محسن غرویان در گفت‌وگو با خبرنگار شفقنا درباره نقش آیت الله سیستانی در شکست داعش در عراق بیان کرد: آیت الله سیستانی در نقش یک مرجع تقلید، در بین مردم جایگاه ویژه‌ای دارند چون مرجعیت همان بلندگوی دین مردم است. عملکرد و رفتار آیت الله سیستانی به عنوان مرجع تقلید برجسته نفوذ زیادی در مردم دارد؛ این تأثیرگذاری و نفوذ دین شاکله ذهنی مردم متدین را شکل داده است. او در خصوص شیوه زندگی آیت الله سیستانی گفت: آیت الله سیستانی به دلیل زهد، تقوا و دنیا گریزی که دارند از یک جایگاه والایی در قلوب مردم برخوردار هستند. ساده زیستی و زندگی متوسط ایشان محبوبیت ایشان را دو چندان می‌کند؛ از این جهت تأثیرگذاری ایشان در مسایل سیاسی عراق بسیار بالاست.

این استاد حوزه، تصریح کرد: نکته قابل توجه دیگر هم مردمی بودن آیت الله سیستانی است. ایشان از نظر فتواها و نظریات دینی، مردمی بودن خود را حفظ کردند و نسبت به اسلام هم دیدگاه‌های موافق آزادی انسانی و معقول دارند. این جایگاه سیاسی، ایشان را در بین فعالان سیاسی عراق بسیار تأثیرگذار کرده است؛ نقش پدری برای احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف در عراق دارند، باز هم جایگاه تأثیرگذار آیت الله سیستانی در اوضاع فرهنگی عراق غیر قابل انکار است.

حجت‌الاسلام والمسلمین غرویان در خصوص

ادامه از صفحه قبل

و بنا شد پیروان آن از ادارات اخراج شوند، اما دولت پیشدستی و علم بخشنامه‌ای صادر کرد و برای توضیح در مجلس حاضر شد و اعلام کرد که دولت برای جلوگیری از فعالیت‌های مضره‌ی این دسته‌ها، قوانین کافی در دست دارد و می‌توانیم این کار را به نحو احسن انجام دهیم. سید احمد صفایی هم پیام آیت‌الله بروجردی را مطرح کرد و عده‌ای از نمایندگان گفتند: «فرقه‌ی بهائی غیرقانونی است و احتیاجی به قانون ندارد» (۲۲) مبارزه با بهائیان به دلیل کارشکنی‌های دولت و همچنین سرسپردگی شاه به قدرت‌های اروپایی و آمریکایی که حامیان اصلی بهائیان بودند؛ به آن مقصد اصلی که منظور نظر بود، نرسید. اما آثاری به همراه داشت. از جمله اینکه از تبلیغات آنها کاسته شد و بسیاری از مسلمانان که با تحریک مالی تظاهر می‌کردند بهائی هستند، توبه کردند و نیز تعدادی از بهائیان از کشور خارج شدند. ایادی هم به مدت ۹ ماه به ایتالیا رفت و امید بهائیان به پیروزی، با شکست مواجه شد؛ اما آنچه نفوذ بهائیان را در ایران از بین برد، پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) بود؛ ایشان قدرت عوامل آمریکایی و صهیونیستی را از بین برد و آنان را متواری کرد و حکومت اسلامی را برای ایران به ارمغان آوردند. (۲۳)

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- روح‌الله حسینیان، پیشین، ص ۳۹۷ و هفتاد سال خاطره از آیت‌الله سید حسین بدلا، پیشین، ص ۲۱۵
- ۲- شکوه فقاقت، (یادنامه‌ی حضرت آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی)، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۲، عبدالرحیم ایادی، ص ۱۰۱
- ۳- روح‌الله حسینیان، پیشین، ص ۳۹۷
- ۴- رسول جعفریان، پیشین، ص ۱۰۰، علی دوانی، خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، علی دوانی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۴
- ۵- خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، صص ۱۹۵-۱۹۶، علی دوانی، پیشین، ص ۲۴۸
- ۶- علی دوانی، پیشین، ص ۲۴۸، خاطرات و

مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، ص ۱۹۴

۷- متن نامه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
به عرض می‌رساند، امید آنکه وجود محترم از بلیات محفوظ بوده، موفق و مؤید باشید. چند روز است که از اطراف به وسیله‌ی مکاتیب و تلگراف به من از فرقه‌ی ضاله‌ی بهائیه شکایت می‌کنند. از جمله مکتوبی است که از اطراف کرمان رسیده و تلگرافاتی است که از الیگودرز مخابره و رونوشت را به حثیر داده‌اند. مکتوبی هم امروز از جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای شیخ محمد مصدرااموری که در الیگودرز است رسیده، چنین معلوم می‌شود که بخشدار و سایر رؤسای ادارات از فرقه‌ی ضاله‌ی بهائیه حمایت می‌کنند و قاسم فولادوند به واسطه‌ی حماقتی که دارد، بخشدار و غیره را تقویت می‌نماید؛ لذا عده‌ای از مسلمین آنجا در تلگرافخانه متحصن شده‌اند. خواهشمند است جنابعالی جناب اشرف آقای نخست‌وزیر را ملاقات کنید و مطلب را به ایشان برسانید که هر چه زودتر قضیه را خاتمه دهند که منجر به نزاع و مقابله و خونریزی نشود. در خاتمه سلامت و سعادت جناب مستطاب عالی را از خداوند تعالی مسئلت می‌نماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
تاریخ ۱۰ شهر شوال ۱۳۶۹ حسین طباطبایی (ر.ک): خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، ص ۱۹۸

- ۸- خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، ص ۱۹۸
- ۹- روح‌الله حسینیان، پیشین، ص ۳۹۸
- ۱۰- غلامرضا کرباسچی، پیشین، ص ۱۶۵
- ۱۱- رسول جعفریان، پیشین، ص ۱۰۰
- ۱۲- متن نامه چنین بود:

بسم الله الرحمن الرحيم
به عرض عالی می‌رساند چندی قبل، از آبادان مکتوبی از بعضی وکلای حقیر رسیده بود و اظهار داشته بودند که تقریباً اداره‌ی امور نفت آبادان با فرقه بهائیه شده. حقیر فراموش کردم قضیه را؛ به واسطه‌ی قضایای دیگری که پیش آمده که هر کدام از آنها مهم و شایان توجه است. دیروز مکتوبی دیگری از بعضی وکلای حقیر رسید که مؤید مکتوب اول بود. نمی‌دانم اوضاع ایران به

کجا منجر خواهد شد؟ مثل اینکه اولیای امور ایران در خواب عمیقی فرو رفته‌اند که هیچ صدایی هر چند مهیب باشد، آنها را بیدار نمی‌کند. علی ای حال لازم است جنابعالی را مطلع کنم، شاید بشود در موقعی، بعضی از اولیای امور را بیدار کنید و متنبه کنید که قضایای این فرقه کوچک نیست، عاقبت امور ایران را از این فرقه، حقیر خیلی وخیم می‌بینم. به اندازه [ای] آنها در ادارات دولتی راه دارند و مسلط بر امور هستند که دادگستری جرأت اینکه یک نفر از اینها را که ثابت شده است قاتل بودن او در ابرقو پنج مسلمان بی‌گناه را، مجازات نمایند [ندارد] و عجب آنکه محمد شبروانی مکتوبی به من نوشته، آن را هم فرستادم ملاحظه فرمایید و ببینید اوضاع ایران چیست و دادگستری ایران با چه دستی اداره می‌شود. نمی‌دانم با که باید صحبت کرد و با کدام ناقوس، خوابیده‌ها را بیدار کرد. به هر تقدیر اگر صلاح دانستید از دربار وقت بخواهید و مصائب را به عرض اعلیحضرت همایونی برسانید. اگرچه گمان ندارم اندک فایده [ای] مترتب شود. حقیر به کلی از اصلاحات این مملکت مأیوسم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
۸ شوال ۱۳۷۳
حسین الطباطبایی «ر.ک» (خاطرات حجت‌الاسلام فلسفی، ص ۱۹۹)

- ۱۳- روح‌الله حسینیان، پیشین، صص ۳۹۹-۴۰۰
- ۱۴- خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، ص ۲۰۰
- ۱۵- همان
- ۱۶- روح‌الله حسینیان، پیشین، ص ۴۰۱
- ۱۷- محمد علی‌آبادی، پیشین، ص ۲۲۰، روح‌الله حسینیان، پیشین، ص ۴۰۲
- ۱۸- روح‌اله حسینیان، پیشین، ص ۴۰۲
- ۱۹- همان
- ۲۰- همان، صص ۴۰۲-۴۰۳
- ۲۱- همان، ص ۴۰۳؛ خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، پیشین، صص ۲۰۵-۲۰۷
- ۲۲- روح‌الله حسینیان، پیشین، ص ۴۰۴؛ خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، ص ۲۰۷
- ۲۳- روح‌اله حسینیان، پیشین، صص ۴۰۵-۴۰۶
- ۴۰۶، خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، ص ۲۱۰

جام جم آنلاین: کشورهای اسلامی در اوضاع و احوال کنونی در شرایط ویژه و حساسی به سر می‌برند. از یک سو منطقه درگیر بحران‌ها و تنش‌هایی است که در یک طرف آن داعش و سایر گروه‌های تروریستی قرار دارند و از طرف دیگر ماجرا کشورهایی هستند که به خاطر منافع سیاسی و اقتصادی خود با یکدیگر درگیر هستند.

از سویی دیگر، ایالات متحده آمریکا نیز از ایجاد تنش میان کشورهای اسلامی استقبال می‌کند و به فکر سودآوری هر چه بیشتر از بازار فروش اسلحه در میان کشورهای اسلامی است. علاوه بر بحران عراق و سوریه باید اختلاف میان قطر و عربستان و دیگر کشورهای همسو با حکام سعودی را نیز به فهرست آشوب‌های منطقه‌ای افزود.

در این میان مساله فلسطین که سال‌های پیش به عنوان اول مساله جهان اسلام مطرح بود و رژیم صهیونیستی نوک پیکان حملات کشورهای اسلامی بود نیز مثل سابق در درجه اول اولویت سران این کشورها قرار ندارد. امروز امید مردم فلسطین و گروه‌های مبارز فلسطینی به محور مقاومت است که پیش‌تاز ایجاد مانع برای توسعه‌طلبی‌های رژیم اشغالگر قدس است. محوری که با حضور ایران، عراق، سوریه و جنبش حزب‌الله لبنان تشکیل شده و در بسیاری از موارد امیدهای سردمداران رژیم صهیونیستی و حامیان آنان را به یاس تبدیل کرده است. طبعاً در چنین شرایط پرگزاری باشکوه روز قدس به عنوان یادگار امام راحل تجدید پیمانی است با آرمان‌های انقلاب اسلامی که حمایت از ستمدیدگان و مستضعفان جهان را سرلوحه اهداف خود قرار داده است.

ناصر ابوشریف، نماینده جدید جنبش جهاد اسلامی فلسطین در جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگو با جام سیاست، خواستار بررسی شرایط جدید منطقه و تعاملات عربستان با آمریکا و اسرائیل و تلاش گروه‌های فلسطینی برای دعوت همگانی از اقصاء مختلف مردم برای پاسداشت این روز بزرگ است.

پشت پرده روابط ملک سلمان و اسرائیل چیست؟ آیا عربستان و اسرائیل به سمت عادی‌سازی روابط پیش می‌روند؟

ما به عنوان فلسطینی، عرب و مسلمان امیدواریم که کشور عربستان سعودی به این

سمت حرکت نکند و امید آن را داریم که این کشور به سمت رویکرد واقعی و حقیقی که همان قدس شریف است حرکت کند. هدف اصلی باید مقابله با رژیم صهیونیستی باشد نه چیز دیگر. ما خواستار همکاری کشورهای اسلامی با یکدیگر هستیم، اما متأسفانه امروز روابط میان کشورهای اسلامی از هم پاشیده است و بسیاری از کشورهای اسلامی در شرایط کنونی به دنبال جایگزین‌ها و شرکایی هستند تا سیاست‌ها و اهداف خود را تحقق بخشند. ما امیدواریم که همه کشورهای اسلامی این قضیه را درک کنند که رفتن به سمت رژیم صهیونیستی به نفع هیچ کشوری مثل عربستان، ترکیه، ایران و... نیست؛ بلکه بهترین کار این است که همه کشورهای اسلامی برای ریشه‌کن کردن رژیم صهیونیستی که سرطان واقعی است متحد شوند. همچنین در قرآن کریم سخن از پیوند میان مسجدالحرام و مسجدالاقصی به میان آمده است. بنابراین کسی که خادم الحرمین است باید خادم سومین حرم (مسجدالاقصی) نیز باشد. این رویکرد واقعی است که ما از خادم الحریم انتظار داریم.

آیا منشور جدید حماس نوعی عقب‌نشینی از آرمان آزادی قدس است؟ آیا حماس اسلحه را زمین می‌گذارد؟

آنچه مشخص است این منشور به درخواست کسی نبوده، بلکه یک تحول داخلی در جنبش حماس و مساله داخلی آنان بوده است. این سند بر فلسطینی بودن سرزمین فلسطین از دریا تا رود تاکید دارد و در واقع بر این نکته اشاره دارد که بهترین راه برای خارج کردن رژیم صهیونیستی از این سرزمین همان سلاح و مقاومت است. مساله دیگر درباره ۱۹۶۷ است که مساله خاص و جدیدی نیست. حماس اعلام کرده است اگر یک بخشی از سرزمین فلسطین که جزو اراضی سال ۱۹۶۷ بوده و اشغال شده، آزاد شود می‌تواند در آن شرکت کند و در حکومت و اداره آن سهیم باشد. البته این به معنای عدول ذره‌ای از خاک فلسطین نخواهد بود. حماس در صحنه حضور دارد و دارای قدرت نظامی بزرگی است و ستون اصلی مقاومت در فلسطین و غزه محسوب می‌شود. ما به اندازه شناختی که از حماس داریم می‌دانیم که هرگز سلاح را کنار نخواهد گذاشت و به عنوان یکی از اجزای اصلی مقاومت در کنار سایر گروه‌های مقاومت فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی باقی خواهد ماند.

گفت‌وگو با نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در ایران

مقاومت تنها راه نجات فلسطین

آیا ترامپ می‌تواند سفارت آمریکا را به بیت‌المقدس ببرد؟ بازتاب جهانی این کار چیست؟

بدون شک این حرفی که مطرح شده یکی از شعارهای تبلیغاتی دونالد ترامپ درباره زمینه انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به قدس در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود. در شرایط کنونی ترامپ تا حدودی درباره این موضوع مکث کرده است، اما به هر حال آنها دیدگاه‌های خاص خود را در این باره دارند. دولت ایالات متحده آمریکا می‌داند که اگر بخواهد این هدف را اجرایی کند تمام فرصت‌های صلح را در منطقه نابود می‌کند و به همین خاطر نمی‌تواند قدس را به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی به رسمیت بشناسد. چرا که اگر این کار را انجام دهد، در واقع راه حل میان دو کشور را که خودشان مطرح کرده بودند، نابود خواهد کرد. بنابراین آمریکا تا حدودی از مواضع خود عدول کرده است. آمریکا می‌داند که اگر چنین اقدامی صورت گیرد، روابط این کشور با کشورهای عربی دچار تنش شده و همان طور که گفتیم فرصت برای صلح بر اساس راه حل دو کشور نابود خواهد شد. به همین دلیل به نظر من دولت آمریکا حتی اگر رژیم صهیونیستی به این کار رضایت داشته باشد دست به چنین اقدامی نخواهد زد. البته در شرایط کنونی دولت آمریکا به دنبال یک بسته راه‌حل برای موضوع فلسطین و رژیم صهیونیستی است. آنها در پی آن هستند که یک راه‌حل عربی فراگیر را با همکاری رژیم صهیونیستی ارائه بدهند که شامل حل مسائل جزئی فلسطین نیز باشد اما چنین کاری از نظر فلسطینی‌ها و مردم مردود است و مساله فلسطین همچنان به قوت خود باقی است.

آیا اسرائیل پشت‌پرده تنش آفرینی ریاض در منطقه و درگیری با ایران و قطر است؟

به طور قطع همین طور است. رژیم صهیونیستی نقش مهمی در زمینه قطع رابطه با قطر دارد و از گذشته فشار می‌آورد که قطر روابط خود را با سازمان‌ها و گروه‌های فلسطینی از جمله حماس قطع کند. اخیراً فرصتی برای این رژیم در جریان برگزاری کنفرانسی در عربستان با شرکت آمریکا ایجاد و در این کنفرانس طرحی با عنوان خشک کردن و نابودسازی منابع تروریسم در منطقه مطرح شد. عربستان و امارات متحده عربی با سرعتی فراتر از انتظار آمریکا و رژیم صهیونیستی به قطع

روابط با آن سازمان‌ها اقدام کردند و این مساله هم مورد تأیید رژیم صهیونیستی قرار گرفت. این در حالی است که حتی کشورهای اروپایی هم به این سرعت با این موضوع کنار نیامدند. حتی پنتاگون و وزارت خارجه آمریکا هم مثل عربستان و امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی رفتار نکردند و فقط ترامپ بود که آن را پذیرفت و از همان ابتدا خواستار فشار آوردن به قطر برای این موضوع بود. طبعاً اسرائیل هم این مساله را مورد تأیید خود قرار داد. اما همان طور که در سوال اول اشاره کردم ما از عربستان سعودی می‌خواهیم که مسیر و رویکرد خود را به سمت ضدیت با اسرائیل قرار دهد. متأسفانه در شرایط کنونی روابط میان کشورهای اسلامی در دوره‌ای از تنش به‌سر می‌برد و ما احتمال درگیری‌های مختلف در میادین و صحنه‌های گوناگون میان کشورهای اسلامی را می‌دهیم. بهترین راه این است که همه کشورهای اسلامی با هم متحد شوند و مشکلات خود را روی میز مذاکره حل کنند و همه آنها در برابر رژیم صهیونیستی قرار بگیرند. بهترین و عاقلانه‌ترین راه ضرورت حفظ اتحاد میان کشورهای اسلامی در برابر رژیم صهیونیستی است.

بازتاب روز قدس در بین فلسطینیان چگونه است؟

به طور حتم با توجه به شرایطی که در آن به سر می‌بریم و موقعیت خاص فلسطین و مقدسات اسلامی، بزرگداشت روز قدس بسیار مهم است. بویژه امسال که روز قدس ویژگی خاصی دارد. الان همه گروه‌های فلسطینی از همه اقصاء می‌خواهند که در راهپیمایی این روز شرکت و با قدس و فلسطین و مقدسات اسلامی اعلام همبستگی کنند. در شرایط کنونی همه برای خیزش امت و مستضعفان و آزادیخواهان جهان در برابر رژیم غاصب صهیونیستی دعوت همگانی می‌کنند. این رژیم، سرزمینی را غصب کرده که جزو آخرین مناطق اشغالی روی کره زمین است. اما با این وصف همچنان روابط میان کشورهای اسلامی متشنج است و به همین دلیل ایجاد وحدت در میان مسلمانان از مهم‌ترین اولویت‌ها در شرایط کنونی منطقه است. هم‌اکنون گروه‌های مختلف فلسطینی در تلاش هستند تا از همه مردم برای شرکت در راهپیمایی این روز و مراسم روز قدس دعوت کنند تا همبستگی با مقدسات کشورهای اسلامی در بین مسلمانان عمومیت پیدا کند.

اسرائیل؛ نماد تروریسم دولتی

مناطق مسیحی‌نشین می‌پردازد و در سوریه هم درصدد جایگزینی داعش از منطقه‌الرقه به منطقه دیزور است تاکنون جدیدتروریستی را برای داعش به وجود آورد. اخیراً شاهد بودیم که تعدادی از سناتورهای جمهوریخواه با تمام وقاحت و با زیر پا گذاشتن همه اصول اخلاقی و انسانی از عملیات تروریستی در تهران حمایت کردند و این حمایت را به صراحت اعلام می‌کنند. به گونه‌ای که گویی از این مساله و اتفاق خوشحال هستند. این اقدام در همه ادیان و مناسبات سیاسی و دیپلماتیک محکوم است و در حقیقت ایرانی که نسبت به قربانیان تروریسمی حتی در آمریکا اظهار تأسف کرده و آن اقدامات را در یازده سپتامبر و سایر اقدامات تروریستی را محکوم کرد انتظار می‌رفت مقامات آمریکایی هم از عملیات تروریستی در تهران تبری بجویند و آنها را محکوم کنند، اما با عدم محکومیت صریح این اقدام از سوی آقای ترامپ و تعدادی از سناتورهای آمریکایی، آنها نشان دادند که نه‌تنها از احساسات انسانی و اخلاقی بی‌نصیب هستند بلکه نشان دادند که با عاملان و مسببان این عملیات شریک هستند.

مثل سیستان و بلوچستان، کردستان و خوزستان ازجمله اهدافی است که از سوی آنان دنبال می‌شود. از سویی دیگر این روزها شاهد نزدیکی هر چه بیشتر دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و رژیم صهیونیستی هستیم.

ترامپ و حزب جمهوریخواه آمریکا روابط گسترده و مفصلی با اسرائیلی‌ها دارند. ترامپ حمایت‌های کلی خود را از رژیم صهیونیستی در قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا اعلام کرده و می‌کند. او در اولین سفر خارج از آمریکا هم بعد از دیدار از عربستان و باج‌خواهی‌های عجیب و غریبش به بازدید از رژیم صهیونیستی مبادرت ورزیده است. وی از نظر حمایت‌های مالی و لجستیکی و تسلیحاتی آمریکا از رژیم صهیونیستی از هیچ اقدامی فروگذار نبوده است. او اکنون هم در مناطق مختلف مرزهای رژیم صهیونیستی با اردن، سوریه و مصر بیشترین حمایت‌های جاسوسی، اطلاعاتی و لجستیکی را انجام می‌دهد با این هدف که مقاومت مردم سوریه، لبنان و مصر را تضعیف کند. آمریکا در این زمینه اهداف مختلفی را مدنظر دارد و حتی به تشویق گروه‌های تروریستی در مصر و صحرای سینا و

تسویه حضور فلسطینی‌ها در شهرها و روستاهای مختلف، ترور رهبران کشورهای عربی و اسلامی، ترور گروه‌های فلسطینی و عملیات ترور در عراق، لبنان، سوریه و اروپا به صورت زنجیره‌وار انجام می‌گرفت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران هم صحنه عملیات ترویستی آنها شد و به دیگر مناطق عملیاتی گروه‌های ترور رژیم صهیونیستی پیوست. ما شاهد آموزش گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران در ارتکاب عملیات تروریستی بودیم. رژیم صهیونیستی هم در تجهیز تروریست‌ها و هم در دادن پوشش‌های مختلف لجستیکی گروه‌های ترور فعال بود. ضمن این‌که اسرائیلی‌ها در دیگر حوزه‌ها مساعدت‌های لازم را به تروریست‌ها ازجمله دادن گذرنامه، ابزارهای اطلاعاتی و جاسوسی می‌کردند. همکاری اسرائیلی‌ها در ترور رهبران مقاومت در لبنان و سوریه جزئی از این سلسله اعمال جنایتکارانه بود. ترور علما و دانشمندان هسته‌ای ایران و ترور علما و دانشمندان هسته‌ای و نظامیان عراق بعد از سقوط صدام و اخیراً هم همکاری با عربستان سعودی در توسعه ترور در جمهوری اسلامی ایران در مناطقی

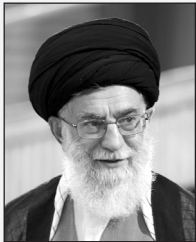
صبح زنگنه / تحلیلگر مسائل دنیای عرب

اسرائیل همواره سیاست تروریسم گروهی و بعد تروریسم دولتی را دنبال می‌کند. از زمان تأسیس و راه افتادن گروه‌های صهیونیسم از اروپا و سایر کشورها به سمت فلسطین اشغالی این روند آغاز شده بود و با حمایت و کمک انگلستان که فلسطین را تحت قیومت خود داشت چهار گروه تروریستی صهیونیستی شهرها و روستاهای فلسطین اشغالی را تهدید کردند و با کشتار، ترور، ایجاد ترس و وحشت جمعیت موجود فلسطینی را در روستا و شهرها از بین بردند یا آنان را مجبور به کوچ اجباری کردند.

همچنین در همین دوره تأسیس اسرائیل در کشورهای مختلف با ایجاد حوادث ساختگی از کشتار حتی یهودیان مقیم آن کشورها به منظور ایجاد موج مهاجرت، اقدامات تروریستی خود را انجام می‌دادند. اسرائیلی‌ها بعد از این‌که شهرها و روستاهای فلسطینی‌ها را به اشغال خود درآوردند، کم‌کم شاکله تأسیس دولت را آغاز کردند، از این پس تروریسم با حمایت دولت مرکزی از سوی رژیم صهیونیستی توسعه پیدا کرد و تداوم یافت. این روند در ادامه با

رهبر معظم انقلاب:

ابراز همدلی مردم شیعه ایران در روز قدس با فلسطینیان اهل سنت مظهر وحدت اسلامی است



به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار عیدانه مسئولان، قشرهای مختلف مردم و سفرای کشورهای اسلامی، «تفرقه و

اختلاف» را مهمترین مشکل و جراحی بزرگ بر پیکره دنیای اسلام خواندند و با اشاره به نقش دشمنان اسلام در برافروختن آتش اختلافات، افزودند: اتحاد و پرهیز از تفرقه به نفع همه کشورهای اسلامی است و باید با همدلی حول مسئله فلسطین بعنوان مسئله اول دنیای اسلام، از کمرنگ یا فراموش شدن آن جلوگیری کرد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با تبریک عید سعید فطر، به استفاده دشمنان از بهانه‌های قومی، مذهبی و سرزمینی برای ایجاد اختلاف اشاره کردند و افزودند: حمایت یک سناتور آمریکایی از جامعه اهل سنت در مقابل جامعه شیعه، در حالی که آنها با اصل اسلام و کشورهای اسلامی دشمن هستند، چیزی جز توطئه و خیانت نیست و این موضوع جای مراقبت و نگرانی شدید دارد اما متأسفانه مسئولان دولتهای اسلامی از این دشمنی‌ها غفلت می‌کنند.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به وجود درگیری‌های خونبار در مناطق مختلف دنیای اسلام همچون یمن، سوریه، عراق و شمال آفریقا، تأکید کردند: تفرقه و اختلاف به ضرر اسلام و امت اسلامی است و در مقابل، نزدیک شدن کشورهای اسلامی و پرهیز از بکاربردن نیروها علیه یکدیگر، منطبق بر حکمت الهی و به نفع همه کشورهای اسلامی است. ایشان راهپیمایی روز قدس و حضور پر شور و عظیم مردم ایران در تهران و شهرهای مختلف کشور در دفاع از ملت فلسطین را نمونه‌ای افتخارآفرین از اتحاد اسلامی برشمردند و گفتند: معنای وحدت اسلامی همین است که مردم شیعه و روزه‌دار با چنین شکوه و عظمتی به خیابانهای آیند و با فلسطینیان که اهل سنت هستند، ابراز همدلی و همدردی می‌کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای، کمرنگ کردن و به فراموشی سپردن مسئله فلسطین را خطری بزرگ خواندند و خاطرنشان کردند: فلسطین، مسئله اول دنیای اسلام است ولی برخی کشورهای اسلامی بگونه‌ای عمل می‌کنند که قضیه فلسطین نادیده گرفته و به فراموشی سپرده شود.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به غصب کشور اسلامی فلسطین و بیرون راندن یک ملت از خانه و سرزمین خود، افزودند: بر اساس فقه اسلامی، همه در مقابل تسلط دشمن بر سرزمین اسلامی، همه مسلمانان موظف به مبارزه و جهاد به هر شکل ممکن هستند و به همین علت، امروز مبارزه با رژیم صهیونیستی بر همه دنیای اسلام لازم و واجب است.

ایشان با انتقاد از سرباز زدن برخی کشورهای اسلامی از این مبارزه، ملت ایران را در انجام وظیفه هوشیار و بیدار دانستند و افزودند: دنیای اسلام به اتحاد و ائتلاف نیاز دارد و ملت‌های مسلمان غالباً نیز با یکدیگر همدل هستند و این دولتها هستند که باید به وظایف خود عمل کنند.

بیانیه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به مناسبت سالروز روز جهانی قدس

دعوت به مشارکت فعال در راهپیمایی‌ها و مراسم روز قدس و زنده نگه داشتن این روز در سراسر کشورهای جهان اسلام می‌کند، تا فریاد آنها سیلی محکمی بر صورت صهیونیست‌های متجاوز و حاکمان جدید و متفرعین آمریکا باشد که تمییزی بین نیروها و جنبش‌های اسلامی آزادی بخش و جریان‌های تکفیری جنایتکار قائل نیستند و همه را در یک سید واحد قرار می‌دهند، همچنین عامل برافروختن جنگ جدید اسرائیل علیه غزه قهرمان، برای از میان برداشتن جنبش حماس و جهاد اسلامی و دیگر جنبش‌های آزادی بخش فلسطین، و جنگ دیگری علیه لبنان برای از بین بردن مقاومت اسلامی بویژه حزب الله مقاوم و دبیر کل مؤمن و شجاع آن جناب سید حسن نصر الله (حفظه الله) و همچنین اعلان جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران به لحاظ نقش مهم و مواضع ثابت آن در حمایت از محور مقاومت و مقابله با گسترش تفکر تکفیری تروریستی و مبارزه با انواع تروریسم، است.

برادران و خواهران؛ تلاش‌های محور شرارت به رهبری آمریکا(که به تعبیر حضرت امام خمینی(ره) شیطان بزرگ است) و نیز رژیم صهیونیستی برای برانگیختن آتش فتنه مذهبی بین شیعه و اهل سنت، اگر خدایی ناکرده موفق شود و برخی از گمراهان امت دنباله رو آن شوند، خطرش برای آینده امت بسیار بیشتر از حد تصور است و همین امر همه ما را فرامی‌خواند تا در برابر نتایج کنفرانس ریاض برای شعله ور کردن آتش فتنه‌های مذهبی هوشیار و محتاط باشیم؛ همه می‌دانیم که عربستان سعودی، شمار زیادی از سران کشورهای عربی و اسلامی را برای دیدار با «دونالد ترامپ» رئیس جمهور تندرو آمریکا، گردآورد تا وی به هر کدام از آنان وظیفه‌ای بسپارد و ارمغان آمریکا را در ظلم به فرزندان و مردم آنها هدیه کند؛ و آمریکا در قبال این اقدام مبالغه‌ناگفتنی از اموال مردم مظلوم در سرزمین حجاز را دریافت کرد، و سرانجام این دیدار شوم نتایج زیر را به دنبال داشت متصور هستیم:

- گسترش عملیات ترویستی در مناطق مختلف جهان اسلام

- بمباران نیروهای بسیج مردمی موسوم به «حشد الشعبی» که برای آزاد ساختن شهر موصل از تروریست‌های جنایتکار در حرکت بودند توسط جنگنده‌های آمریکایی.

- شروع عملیات انفجاری در منطقه قطیف

- تشدید حملات به مردم غیر مسلح یمن و سکوت سازمان‌های بشر دوستانه در برابر شیوع بیماری وبا در آن کشور

- محاصره ظالمانه منزل حضرت آیت الله شیخ عیسی قاسم در بحرین و انحلال احزاب و جماعت‌های شیعی - هدف قرار دادن محور مقاومت در ایران، لبنان،

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، متن بیانیه مجمع به مناسبت روز جهانی قدس به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (الإسراء / ۱)

از زمانی که امام خمینی(ره) بنیانگذار انقلاب اسلامی، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان (هفتم آگوست سال ۱۳۸۹) را به عنوان روز جهانی قدس اعلام کرد، سر تا سر امت اسلامی در این روز مشخص گردهم می‌آیند؛ روزی که مسلمانان به روشنی موضع خود را در برابر قدس شریف به عنوان قبله مقاومت و رمز جهاد امت و مسأله فلسطین، به عنوان مسأله اول مسلمانان اعلام می‌کنند.

روز قدس فقط اختصاص به قدس ندارد، بلکه روز مقابله مستضعقان با مستکبران و روز انتفاضه ملت‌های ستمدیده علیه طرح‌های صهیونیستی-آمریکایی و کشورهای مرتجع عربی است.

ندای امام خمینی(قدس سره الشریف) ندایی جاویدان است که پژواک آن پیوسته عزم و اراده را در بند بند وجود ملت‌های مستضعف جهان بیدار می‌کند و آنها را در برابر دروازه آزادی از سلطه ظالمان مستکبر و ظلم و ستم صهیونیست‌های جنایتکار و حامیان آنها از استعمارگران غرب و در رأسشان آمریکای متکبر قرار می‌دهد.

جنگ افروزی در جای جای کشورهای عربی و اسلامی چیزی نیست جز واکنشی علیه بیداری اسلامی که امام خمینی(رحمة الله علیه) آن را پایه گذاری کرد و جانشین برحق و پیرو ایشان، حضرت آیت الله العظمی امام سید علی خامنه‌ای(دام ظلّه العالی) در تلاطم جنگ و درگیری‌های فرقه‌ای، آن را رهبری کرد، این بیداری مبارک، تخت پادشاهان و حاکمان ظالم منطقه را به لرزه درآورد و محاسبات صهیونیست‌ها و حامیان آمریکایی آنها را به هم زد.

وجه مشترک بین ملت‌های منطقه ما این است که آنها ملتی زنده و بیدار هستند و زانو زدن و تسلیم شدن در برابر صهیونیست‌های جنایتکار و اربابان مستکبر آنها را مردود می‌دانند؛ همچنان که حل قضیه فلسطین از طریق مذاکرات تحقیرآمیز به رهبری آمریکا و همبازی رژیم‌های مرتجع عربی را نمی‌پذیرند و اینها همه در حمایت از مردم مجاهد فلسطین است که با صلابت و شجاعت تمام، برای آزادی سرزمین مقدس فلسطین و قطع ایادی استعمارگران خارجی گام بر می‌دارند.

مجمع تقریب مذاهب اسلامی، در لیبیک به ندای دین و وجدان که امام راحل بزرگوار آن را سردادند و در پیروی از حضرت آیت الله خامنه‌ای(حفظه الله) ولی امر مسلمین، فرزندان امت بزرگ اسلامی را

متأسفانه امکانات جهان اسلام علیه جهان اسلام به کار گرفته می‌شود

آیت الله اراکی ابراز امیدواری است که در جریان این سفر با همکاری علما بتوانیم به طرحی برای افزایش همکاری‌ها در زمینه وحدت امت اسلامی دست یابیم؛ اگر علما حرکت کنند امرانیز با آنها همراه خواهند شد.

در دین اسلام اختلاف فکری رحمت است

محمد گورمز نیز در این دیدار ضمن خوش آمد گویی به هیئت جمهوری اسلامی ایران، با بیان اینکه در دنیای معاصر کسانی که می‌خواهند به دنیا نظم دهند مدام از شکلی به شکل دیگر تغییر می‌کنند، اظهار داشت: در دو قرن اخیر آنها سیاست دنیای بدون اسلام را دنبال می‌کنند و می‌خواهند اسلام همانند پروتستان با مردم و دین مردم کاری نداشته باشد و فقط در عبادت و مساجد خلاصه شود البته متأسفانه بخش اعظمی از جهان اسلام متوجه این موضوع نیستند و حتی به این هدف کمک نمی‌کنند.

وی افزود: وقتی شما مشغول نماز هستید و کودکی سمت آتش می‌رود واجب است که نمازتان را بشکنید

و آن کودک را نجات دهید اما امروز می‌بینیم که تمام کودکان امت اسلامی به سمت آتش می‌روند اما ما بی توجه به زندگی خودمان ادامه می‌دهیم.

رئیس سازمان دیانت ترکیه با بیان اینکه در دین ما اختلاف فکری به عنوان رحمت تلقی شده است، اظهار داشت: اما آن چیزی که در دین منع می‌شود درگیری است که متأسفانه ما اختلاف را تبدیل به درگیری کرده ایم.

گورمز با اشاره به اینکه شقاق به معنی دوتیکه کردن امت است، اظهار داشت: ما امروز شاهد وضعیت شقاق در میان امت اسلامی هستیم؛ در احادیث ما شقاق در کنار نفاق آمده است زیرا علت اصلی شقاق، نفاق است. وی در ادامه به نقش برجسته علما در ایجاد وحدت میان امت اسلامی اشاره کرد و گفت: علما وظیفه خطیری در این زمینه بر عهده دارند و امیدوارم این دیدارها بتواند گامی مؤثر در ایجاد وحدت امت اسلامی باشد.

لأجلک یا مدینه السلام اصلی
لأجلک یا بهیه المساکن یا زهره المدائن
یا قدس یا قدس یا قدس یا مدینه السلام اصلی....

به خاطر تو ای شهر سلام، نماز می گزارم
به خاطر تو ای شهر سلام، نماز می گزارم
**

به خاطر تو ای روشنایی منازل
ای گل شهرها
ای قدس، ای قدس، ای قدس
ای شهر سلام، نماز می گزارم.
**

نگاه ما هر روز به سوی تو پر می کشد
در رواق های معابد می گردد
کلیساهای کهن را در آغوش می گیرد
و اندوه از مساجد می زاید.
**

ای شب معراج!
ای گذرگاه آنان که به آسمان رفتند
نگاه ما هر روز به سوی تو پر می کشد
و من نماز می گزارم.
**

آن کودک زاغه نشین و مادرش، مریم
دو چهره ی گریان اند
می گریند، می گریند!
به خاطر آن ها که از وطن دفاع کردند
و بر دروازه ی شهر شهید شدند.
**

صلح در سرزمین صلح به شهادت رسید
و عدالت بر دروازه ها به خاک افتاد.
شهر قدس سقوط کرد
عشق از زمین رخت بربست
و جنگ در دل جهان لانه گزید
**

آن کودک زاغه نشین و مادرش، مریم
دو چهره ی گریان اند
و من نماز می گزارم.
**

خشم خروشان می آید
خشم خروشان می آید
و من سراپا ایمان دارم که خشم
خروشان می آید.
ولی من اندوه را زیر پا خواهم گذاشت.
**

خشم خروشان از هر طرف می آید
چون سپاهی هول انگیز می آید
و چونان نور خدا همه گیر می آید
می آید... می آید...!
دروازه ی شهرها هرگز قفل نخواهد شد
و من به نماز می روم.
**

درها را خواهم کوبید
و آن ها را خواهم گشود
و تو ای رود اردن!
چهره ی مرا با آب های مقدست خواهی شست
و تو ای رود اردن!
آثار گام های وحشیان را محو خواهی کرد.
**

خشم خروشان می آید
خشم خروشان می آید
زود درهم خواهد شکست
خانه مال ماست
قدس از آن ماست.
**

من به دست خود، روشنایی را به
قدس بازخواهم گرداند
به دست ما صلح به قدس بازخواهد آمد
به دست ما صلح به قدس بازخواهد آمد
باز خواهد آمد ... باز خواهد آمد...



دکتر مختاری رئیس دانشگاه مذاهب
اسلامی در یادداشتی به مناسبت سالروز
شهادت آیت الله شهید بهشتی تأکید
کرد: پرهیز از تفرقه و تأکید بر اشتراکات،
نقشه راه شهید بهشتی در تقویت
وحدت اسلامی بود.

ضرورت وحدت در میان مسلمانان
و نیز اجتناب از اختلاف و تفرقه برای
دست یابی به رشد و تعالی امت اسلامی بر هیچ
کس پوشیده نیست، زیرا سعادت ملت های آزاده و
مسلمان، در گرو وحدت میان آنها است، همچنین
تفرقه و اختلاف منشأ شقاوت ملت های اسلامی
است. در این میان باید به رویکردهای وحدت
بخش آیت الله شهید بهشتی اشاره نمود که شکوه
اندیشه تقریبی آن عالم شهید، جایگاهی والا برای
ایشان رقم زده است.

**وحدت به مثابه استراتژی در سایه نفی
رویکرد تاکتیکی در اندیشه و رفتار شهید بهشتی**
واکاوی رفتار و گفتار شهید بهشتی نشان می
دهد آن عالم شجاع، به موفقه وحدت نه به عنوان
یک مسأله معمول بلکه به عنوان یک نیاز مبرم می
نگریست، از این رو نگاه خاص ایشان که با کادرسازی
و ایجاد تشکیلات منظم توأم می شد در عمل به
ایجاد شبکه های دوستانه و بردارانه با برادران اهل
سنت تبدیل شد، لذا ایمان راسخ آیت الله بهشتی به
مقوله وحدت، نه به عنوان تاکتیک بلکه در راستای
تداوم حیات امت اسلامی قابل توجه است.

هم چنین اهتمام روز افزون آیت الله شهید
بهشتی به مبانی فکری و نظری فقهی فریقین
در راستای ارتقای تقریب اسلامی در جای خود
مثال زدنی است؛ لذا از دیدگاه آن یار وفادار امام
خمینی (ره) بسیاری از اختلافات رایج در میان
مسلمانان منبعث از جهل و نا آگاهی است.

**احیای فرهنگ گفتگو و ارتقای همگرایی
جهان اسلام**

ترویج مطالعات میان مذهبی و انجام دیدارهای
فراوان با علمای اهل سنت در فضایی کاملاً دوستانه
و بردارانه و نیز تلاش بی وقفه ایشان در مرکز اسلامی
شهر هامبورگ به عنوان امام جماعت به مدت پنج
سال، حاکی از عمق دغدغه مندی آیت الله بهشتی
به مقوله وحدت امت اسلامی است؛ بلکه عامل
کلیدی حضور تبلیغی شهید بهشتی در عرصه های
بین المللی به ویژه در مرکز اسلامی هامبورگ، بر
مبنای تقریب مذاهب اسلامی بنا شده است.

اینگونه است که آیت الله شهید بهشتی، روز
قدس را روز احیای همبستگی جمیع مسلمین بر
می شمرد و از آنجا که ایشان در ابتدای پیروزی
انقلاب شکوهمند اسلامی، به عنوان نایب رئیس
مجلس خبرگان قانون اساسی، با استناد به
آیه کریمه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ
فَاعْبُدُون» که تصریح می کند به این که مسلمین
یک امت واحد هستند، ماده ۱۱ قانون اساسی
جمهوری اسلامی را تصویب می کند که از عمق
وحدت گرایی و نهایت تلاش ایشان در صیانت از
وحدت امت اسلامی حکایت دارد.

**تأکید بر اشتراکات فراوان میان شیعه و سنی
از جمله راهبردهای ثابت و غیر قابل تغییر شهید
آیت الله بهشتی**

بدین ترتیب تأکید بر اشتراکات فراوان میان شیعه
و سنی از جمله راهبردهای ثابت و غیر قابل تغییر شهید
آیت الله بهشتی بوده است، به عنوان نمونه در تعبیر
ایشان از کارکردهای بی بدیل قبله آمده است: «مردمی
که ایدئولوژی واحد آنها را به هم پیوسته و این
ایدئولوژی برزندگیشان تسلط کامل دارد، تشکیل
دهنده جامعه جهانی اسلام هستند. اگر به سوی کعبه
به نماز بایستیم در حالی که دل هایمان، جان هایمان،
زندگی هایمان، مصلحت هایمان و سرنوشت هایمان
از هم جدا باشد، آیا باز هم چنین قبله واحدی می تواند
شعار اسلام باشد؟ هرگز.»

نشریه مرکز بررسی های اسلامی

دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهدای خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز

تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت های مرکز

مرکز بررسی های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلیه شقوق: www.ketab.ir/shorrough

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

هستیم همه ی ما مسلمانیم عمل کنیم و پایبند
باشیم. اما اختلاف در آراء فقهی، اختلاف حتی در
مسئله خلافت و ولایت حرام است و نباید پیوند
وحدت اسلامی مسلمانان را بر هم بزند و صف
متحد اسلامی را بشکند. کما اینکه خود علی (ع)
تأکید داشتند که مبدا مسئله امامت و خلافت به
صورتی مطرح شود که اجتماع و اتحاد مسلمین
دچار شکست و تزلزل گردد.

**شهید بهشتی؛ اسلام شناس، احیاءگر
هویت اسلامی و افکار دینی در دوران معاصر**

بی شک امروزه جریانات تکفیری و افراطی
همچون داعش و سلفی ها، نمونه هایی از گروه
های متحجر حمایت شده از طرف استکبار جهانی
است که لازم است علمای اسلام برای جلوگیری از
نفوذ بیشتر آن در جوامع اسلامی چاره ای اساسی
ببیندیشند. از این رو مراکز آموزشی و تربیتی ایجاد
شده توسط استکبار تحت عنوان اسلام شناسی،
شستشوی مغزی جوانان مسلمان به ویژه در غرب
را هدف قرار داده است. اما نباید فراموش کرد که
این گونه افکار التقاطی و جامد در همه دوره های
تاریخی وجود داشته و در دوران معاصر، حمایت
های فکری و مالی کشورهای مستکبر از دلایل
فعالیت و بروز و ظهور مجدد آنها به شمار می رود.

لذا در شرایطی که در اروپا زمینه برای رونق هر
چه بیشترین گونه افکار و اندیشه های باطل وجود
داشت شهید بهشتی به عنوان بزرگترین احیاءگر
افکار دینی در دوران معاصر با تأسی از اندیشه های
امام خمینی (ره) به خوبی توانست از دین اسلام
در مقابل اندیشه های فاسد دفاع کند. لذا بدون
تردید شهید بهشتی زنده کننده هویت اسلامی و
مذهبی است و توانست با بهره مندی صحیح از
ظرفیت دین اسلام در غرب دین ستیز، به بسیاری
از شبهات جامعه اروپا پاسخ دهد.

**آشنایی بسیاری از جوانان غربی با اسلام
راستین و ناب یکی از نتایج و برکات فعالیت
های شهید بهشتی در اروپا بود**

بنده معتقدم آشنایی بسیاری از جوانان اروپایی
و غربی با اسلام راستین و ناب یکی از نتایج و برکات
فعالیت های شهید بهشتی در اروپا و مرکز آموزشی
هامبورگ به شمار می آید. آری با تأمل در رویکردها
و افکار وحدت آفرین آیت الله شهید بهشتی (ره)
می توان به اوج شخصیت فکری و علمی این عالم
شهید پی برد. آن شهید بزرگوار که به تعبیر امام
خمینی (ره) «یک ملت بود برای ملت ما»، در عمل
نیز شکوه وحدت میان امت اسلامی و بازشناسی
اسلام اصیل را به بهترین وجه ممکن به منصه
ظهور رساند و اینچنین توطئه های قدرت های
استکباری در اختلاف افکنی، اسلام هراسی و اسلام
ستیزی را نقش بر آب نمود.

کتابخانه مرکز بررسی های اسلامی

نشانی: قم، پردیسان، بلوار دانشگاه، انتهای بلوار سلمان فارسی

خیابان شهید مخلص، خیابان دوم، تلفن: ۳۲۸۰۷۵۵۶ - ۰۲۵

جستجو در مخزن کتابخانه: <http://www.lib.ir/library/578/iscq/search>